

تا جهان ناورده بر رخسار چین  
 در بهر وقت وانگر در ملک چین  
 کرچه مستانرا بجهت سود بند  
 بند بهوشان همه قید است و بند  
 نیک بر جان ضعیفان باز بخش  
 بر بفرق مانتازای شاه و بخش  
 که نه ما از مردم بیگانه ایم  
 دوستار خانه و اهل -  
 خارج از خانه بسی هنگام است  
 که مرآن هنگامها از بهر ماست  
 خوش بگفتار آمد آن شیوا سخن  
 چونکه از هنگامهاش پرسید زن  
 گفت بود این هابو بهر لحاف  
 چون بشد دیگر کجا ماند خلاف  
 نیک در پرده بیاید سریار  
 پرده در دشمن بودن دوستار  
 یل بود ایدون بسی آلسوی آب

قال من كان له علم المكتتاب  
 بهر حال [ لونی ] از ناچین بیخبر نشیند - و  
 بر کلمات خوش ادای متملقین فریفته شد - و شد آنچه  
 شد - خوبست که رفیقان بشنوند که نشود آنچه باید  
 بشود - بتواریخ اجانب رجوع کنیم با کمی دست خواهم  
 فهمید که چه قدر سی کردند سلاطین مستبد اروپ  
 که این سیلاب ملکات فاضله و یا حکومت عادلانه بیخ  
 استبدادها ننگند - و آتش جور بر ابراهیم وقت پردو  
 سلام نشود - و عشق مردم بازاری را صاحب حقوق  
 مشترك لغناهند - و جمعی مردم بجایه فکر کوتاه آنها  
 رفیق حکومت مشروطشان ننگند - خونها ریخته و  
 خانها سوختند و جز مسئولیت آخرت و ندامت  
 دنیا حاصله بر نرسد گرفتند ( یریدون ان یطفؤا نوراة  
 بانواهم و یا بی اة ان یم نوره ولو کره المشرکون )  
 ( باقی دارد )

مکتوب یکی از معارف پژوهان

چندی قبل زبیرت مرقد منور حضرت امام  
 امام علی بن موسی الرضا علیه و علی آباءه و ابناة الصلوة  
 والسلام گشته - و تمام زمستان یعنی قریب چهارماه در  
 آن مکن مقدس مشرف و این روزها معاودت بمقام

خویش کرده و با کمال انفصال این مختصر را زحمت  
 داده و معذرت از تأخیر در عرض جواب میخواهم  
 در ایاب و ذهاب که از باد کوبه و عشق آباد و توجیان  
 عبور شد . . . . .  
 من . . . . .  
 مراند در صحیف روزنامه کرامی  
 مده کرده ولی افسوس که  
 و همین قدر میتوانم

مکتوب  
 امور نظامی و غیره  
 عرض معین  
 وکیل  
 یا اینکه بگویم

عواقب الیب

اری خلل الرماد و بیض جره و بوشک ان یعور / رام  
 فان لم تطفها عقلاء قوم • یکون و قودها جث ضخم  
 شرعی از بابت چراغهای الکتریک حرم مطهر  
 رضوی در روزنامه کرامی درج شده بود که در حقیقت  
 جالب کمال تأسف و تأثر بود چون خود بنده اوضاع  
 مشهد مقدس را برای العین مشاهده کرده است می یابد  
 عین حقیقت نویسی شده و اوضاعی که موجب تأسف  
 و تأثر و خفت و سرافکنندگی و ملالت هرینسا و دان  
 ست نه تنها همان مسئله چراغ است جزئی و کلی امور  
 ارض اقدس از نابت وضع حکومت و تولیت و علماء  
 عظام و تجار و اهالی فرداً فرداً برای غصه و کدر صدساله  
 کافی است و مقصود بنده از عرض این مطلب نه این  
 است که در صحیف روزنامه کرامی درج شود زیرا که  
 بحال برخی مضر و در آینده هم موجب نتیجه و قائده  
 نیست همین قدر خواستم بدانید که در هر طرف دنیا  
 با شما همدرد و همنفس هست ولی چه قائده دردها  
 بی درمان و نفسها سرد است و علی المعجانه جز سوختن  
 و ساختن چاره نیست ( لعل الله یحدث بعد ذلک امرأ )  
 و جناب عالی هم هرچه در صحیف روزنامه کرامی درج فرمائید  
 لقد اسمعت لو نادیت حیا • ولكن لایحیة لمن نادى  
 آنچه البته بجای نرسد فریاد است -

و نمیداند هموطنان ما از اختلال و اغتشاش و  
 بی نظمی و قلب و مرج و مرج در حقیقت از خدا نشانی  
 و بی دینی چه قائده وجه نیکی دیده اند - که باین اصرار  
 دنبال انفال ذمیمه و حرکات قبیحه را گرفته (سم بکم  
 همی) سر خود را باین انداخته راه میروند - و آنر کسی  
 آنها را بخواند ابقاظ و قییه نماید با کمال نخوت و

شهر اورا نقطه و تسفیه مینمایند

من چه گویم در همه ده زنده گو

( خیرخواه ملت و دولت کنام )

داستان روسیا

( از شماره ۲۷ )

آشتی نمودن روسیه با پروس

چنانچه نیکارش یافت روش (روس) بر آن بود که  
 جمله با (اتریش) همدست و با (پروس) در جنگ باشد و  
 چون (فرانسه) هم با اتریش یکی بود از آنرو با روسیه  
 همراهی داشت اما (پتر) همینکه بسر بر بهر باری نشست  
 بدون کنکاش نخواهد دل و بی آنکه پادشاه اتریش آگاهی  
 دهد آشتی با پروس را از بزرگترین کارها انگاشته از  
 برای آنکه مؤده امپراتوری اورا به (الحالت) برادر  
 زنی برساند از نزدیکان خود (غود و بیج) نام  
 را بسوی آلمان روان و بدو سپرد در بر کشتن از  
 آنجا با پادشاه پروس دیدن نموده گذشته از آشتی پیام  
 به بندد در هر جنگی همدست و برابر بوده باشند و  
 لشکر روس که برای جنگ پروس بدان سامان رفته اند  
 بزیر فرمان پادشاه پروس واگذار نماید که بر سر اتریش  
 روانه نماید و پنهانی فرستاده را به انجام اینکارها فرمان  
 داد از این رو با فرستاده اتریش و فرانسه که در  
 (پترسبورگ) بسیار کرامی بودند برخی رفتارهای سرد  
 پیش گرفت و فرستاده فرانسه سر بسته برخی رازهای  
 درونی خود را میسرود در بازگفت فرستاده او از  
 دواب پروسیا فرستاده بزرگی به پترسبورگ آمده از  
 دو سو بنکاشتن آشتی نامه و یگانگی برداخته آمد - و  
 فرستاده اتریش پیغام داد که چنان روا دانستم از  
 کشمکش پیوده چشم پوشیده و با پروسیا بکنار آمده  
 و جنگ را بیکسو نمایم و اینک آشتی نامه را در کار  
 نکاشتم و به پادشاه اتریش هم از روی اندرز میگویم  
 که بهمینگونه رفتار نموده و درباره من خورده کبری  
 نماید - زیرا جنگ با آلمان برون از روش من و از  
 برای زیر دستم بارگرای است - اینگونه پیغام سرد  
 ختی را از برای اتریش داد و از یکسو پیمان نامه  
 آشتی و یگانگی به پروسیا سپرده و لشکر آماده روسیه  
 را که در سامان بودند بزیر فرمان پروس واگذار نمود  
 که پرسو خواهد روانه نماید و مغایرت نامه هم بسردار

لشکر فرستاد و چند روز جشن بزرگی از برای این  
 آشتی و سازش برپا داشته و مهمانیها نمود - از همه بدتر  
 آنکه بدماغ چشم اتریش فرستاده او را هم سکه در  
 پترسبورگ بود بدان مهمانی خواند و او از پذیرفتن  
 دوری جسته و شرمندی خود را هویدا ساخت - در  
 مهمانیها امپراتور پروس همیشه مست و بهوش  
 و خراب شده از روی مسق سخنان بیجا می سرود  
 چنانچه روزی در انجمنی رو به رازنکار پادشاهی  
 نموده و گفت گویا امپراتور پروسیا از گردش روزگار  
 آگاهست و پیش بینی را میداند که از همه کس رفتار  
 جنبش لشکری ما آگاه بوده رازنکار پریشان شده و  
 بتلاش اذداد - به او گفت چرا بی آرام هدی اینک  
 صیریا نیست تو نبودی که در روزگار جانشینی من  
 گذارش سپاه وارد و رابا هر گونه فرمانی که به سپاهیان  
 داده میشد با هر گونه ساز جنگ مرا آگاه میساختی  
 و من هم به امپراتور آلمان مینکاشتم - با این آن پینوا را  
 در میان هم سروم چشم سر افکنده و شرمسار نمود  
 و در انجمنها در هنگام مسق از اینگونه سخنان تابهنگام  
 بسیار میسرود - و همینکه جشن این پیمان به پایان آمد  
 بفرستاده اتریش که در پترسبورگ بود پیام داد چونکه  
 پادشاه اتریش چشم بخاک پروسیا دوخته و سازش  
 نمیکند از برای یاری و کمک امپراتور پروسیا از سر  
 نو تک دسته سپاه خواهم فرستاد و براسق اگر بکار  
 بود میفرستاد اما چون از سر بر پادشاهی بزیرش آوردند  
 اندیشه های او به انجام نرسید

( گذارش رها نمودن پترکترنه را )

امپراتور ما آنکه سگرفتار ساز جنگ بود و  
 آهنگ رفتن بسر دانیارک را داشت و آیین کهوری  
 و لشکری درهم و برهم و از هم کیخته و رشته  
 هیچیک بیکدیگر پیوند نداشت و از آنسوم با دختر  
 بدکاره ( ورنجوف ) بی پروایانه و آشکار بکاسرانی  
 میرداخت پس دختر ( ورنجوف ) را روز بروز بزرگی  
 و سخن روانی دست داده انجام کار چینی را که در  
 روزگار جانشینی خود با دختر ( ورنجوف ) در میان  
 گذارده بود که ( کترینه ) زن خود را رها نموده و او را  
 بزنی اختیار نماید با او تازه نمود و دختر از برای  
 سرفرازی خود در هر انجمنی این سخن را پیمان

تا جهان ناورده بر رخسار چین  
 در بیروت وانگر در ملک چین  
 کرچه مستازا نغمه سود بنده  
 بند بهوشان همه قید است و بند  
 لیک بر جان ضعیفان باز بخش  
 بر بفرق ماشازای شاه رخس  
 که نه ما از مردم بیگانه ایم  
 دوستار خانه و اهل  
 خارج از خانه بسی هنگامهاست  
 که سر آن هنگامها از بهر ماست  
 خوش بگفتار آمد آن شیوا سخن  
 چونکه از هنگامهاش پرسید زن  
 گفت بود این هابو بهر لحاف  
 چون بشد دیگر کجا ماند خلاف  
 لیک در پرده بیاید سریار  
 پرده در دشمن بودن دوستار  
 بل بود ابدون بسی آسوی آب

قال من كان له علم الكتاب  
 بهر حال [ لوق ] از ناچین بپنرس اندیند - و  
 بر کلمات خوش ادای متملقین فریفته شد - و شد آنچه  
 شد - خوبست که رفیقان بشنوند که نشود آنچه باید  
 بشود - بتواریخ اجانب رجوع کنیم با کمی رسته خواهیم  
 فهمید که چه قدر سعی کردند سلاطین مستبد اروپ  
 که این سیلاب ملکات فاضله و یا حکومت عادل بیخ  
 استبدادشان نکنند - و آتش جور بر ابراهیم وقت بردو  
 سلام نشود - و معنی مردم بازاری را صاحب حقوق  
 مشترک نمانند - و جمعی مردم بجایه بفکر کوتاه آنها  
 رفیق حکومت مشروطشان نکنند - خونها ریخته و  
 خائنها سوختند و جز مسئولیت آخرت و ندامت  
 دنیا حاصل بر نماند ( بریدون ان یطفروا نوراة  
 باقواهم و یا بی اقه ان یم نوره ولو کره المشرکون )  
 ( باقی دارد )

مکتوب یکی از معارف پژوهان

چندی قبل طازم زیارت مرقد منور حضرت امام  
 امام علی بن موسی الرضا علیه و علی آباءه و ابناة الصلوة  
 والسلام گشته - و تمام زمستان یعنی قریب چهارماه در  
 آن مکان مقدس مشرف و این روزها معاودت بمقام

خویش کرده و با کمال اقبال این مختصر را زحمت  
 داده و معذرت از تأخیر در عرض جواب میخواهم  
 در ایاب و ذهاب که از باد کوبه و عشق آباد و توجان  
 عبور شد من اقامت ارض اقدس مطالب و  
 مشهوراند در صحایف روزنامه کرامی  
 مده کرده ولی افسوس که  
 و همین قدر میتوانم

مکتوب  
 امور نظامی  
 عروس معدن  
 یا اینکه بگویم

عواقب الیب

اری خلل الرماد و بیض جره و بوشکان یعور / رام  
 فان لم تطفها عقلاء قوم \* یكون و قودها جثت ضخام  
 شرحی از بابت چراغهای الکتریک حرم مطهر  
 رضوی در روزنامه کرامی درج شده بود که در حقیقت  
 جالب کمال تأسف و تأثر بود چون خود بنده اوضاع  
 مشهده مقدس را برای العین مشاهده کرده است می بیند  
 عین حقیقت نویسی شده و اوضاعی که موجب تأسف  
 و تأثر و خفت و سرافکنندگی و ملالت هر پینا و دان  
 ست نه تنها همان مسئله چراغ است جزئی و کلی امور  
 ارض اقدس از بیت وضع حکومت و تولیت و علماء  
 عظام و تجار و اهالی فرداً فرداً برای غصه و کذرسدساله  
 کافی است و مقصود بنده از عرض این مطلب نه این  
 است که در صحایف روزنامه کرامی درج شود زیرا که  
 بحال برخی مضر و در آینده هم موجب نتیجه و قائده  
 نیست همین قدر خواستم بدانید که در هر طرف دنیا  
 با شما همدرد و همنفس هست ولی چه فایده دردها  
 بی درمان و نفسها سرد است و علی العجابه جز سوختن  
 و ساحتن چاره نیست ( لعل الله یحدث بعد ذاک امرأ )  
 و جنابعالی هم هر چه در صحایف روزنامه کرامی درج فرمائید  
 لقد اسمعت لو نادیت حیا \* ولكن لاحیاء لمن نادى  
 آنچه البته بجایش نرسد فریاد است -

و نمیداند هموطنان ما از احتلال و اغتشاش و  
 بی نظمی و قلب و هرج و مرج در حقیقت از خدا شناسی  
 و بی دینی چه فایده و چه نیکی دیده اند - که باین اصرار  
 دنبال افعال ذمیمه و حرکات قبیحه را گرفته (صم بکم  
 همی) سر خود را پائین انداخته راه میروند - و آنر کسی  
 آنها را بخواند ابقاظ و تقیه نماید با کمال نخوت و

غرور اورا نخطه و تسفيه ميناياند

من چه گويم دو همه ده زنده كو

( غيرخواه ملت و دولت كنام )

داستان روسيا

( از شماره ۲۷ )

آشتی نمودن روسیه با پروس

چنانچه نكارش يافت روش (روس) بر آن بود كه هلهه با (ايريش) همدست و با (پروس) در جنگ باشد و چون (فرانس) هم با ايريش يكي بود از آنرو با روسيه همراهی داشت اما (پتر) همينكه بسرير شهر ياری نشست بدون كنكاش نخواهش دل و بی آنكه پادشاه ايريش آنگهی دهد آشتی با پروس را از بزرگترین كارها انكاشته از برای آنكه مزده امپراتوری اورا به (الحالت) برادر و نش. برساند از نزد يگان خود (غوه و بچ) نام را بسوی آلمان روان و بدو سپرد در بر كشتن از آنجا با پادشاه پروس دیدن نموده گذشته از آشتی پياز به بند در هر جنگی همدست و برابر بوده باشند و لشكر روس كه برای جنگ پروس بدان سامان رفته اند بزير فرمان پادشاه پروس واگذار نباید كه بر سر ايريش روانه نماید و پنهانی فرستاده را به انجام اينكارها فرمان داد از این رو با فرستاده ايريش و فرانس كه در (پترسبورك) بسیار كرامی بودند برخی رفتارهای سرد پیش گرفت و فرستاده فرانس سر بسته برخی رازهای درونی خود را میسرود در بازگشت فرستاده او از دربار پروسيا فرستاده بزرگی به پترسبورك آمده از دو سو بنكاشتن آشتی نامه و يگانگی پرداخت آمد - و فرستاده ايريش بیفام داد كه چنان روا دانستم از كشمكس پيوه چشم پوشیده و با پروسيا بكنار آمده و جنگ را بيكسو نایم و اينك آشتی نامه را در كار نكاشتم و به پادشاه ايريش هم از روی اندرز میگويم كه بهمينگونه رفتار نموده و درباره من خورده كبری نخواهد - زيرا جنگ با آلمان بیرون از روش من و از برای زیر دستم باركرانی است - اينگونه بیفام سرد ختكی را از برای ايريش داد و از يكسو پیمان نامه آشتی و يگانگی به پروسيا سپرده و لشكر آماده روسيه را كه در سامان بودند بزير فرمان پروس واگذار نمود كه پرسو خواهد روانه نماید و عفارش نامه هم بسردار

لشكر فرستاد و چند روز جشن بزرگی از برای این آشتی و سازش برپا داشته و مهمانها نمود - از همه بدتر آنكه بداغ چشم ايريش فرستاده او را هم سكه در پترسبورك بود بدان مهمانی خواند و او از پذیرفتن دوری جست و شرمندی خود را هویدا ساخت - در مهمانها امپراتور پروس همیشه مست و پهبوش و خراب شده از روی مستی سخنان بچسای سرود چنانچه روزی در انجمنی رو به رازنكار پادشاهی نموده و گفت كويا امپراتور پروسيا از كردش روزگار آگاهست و پیش بینی را میداند كه از همه كس رفتار جنبش لشكری ما آگاه بوده . از نكار پريشان شده و بتلاش افتاد - به او گفت چرا بی آرام عدي اينك سیريا نيست تو نبودى كه در روزگار جالغينى من گذارش سپاه وارد و رابا هر گونه فرمانی كه به سپاهيان داده ميشد با هر گونه ساز جنگ مرا آگاه ميساختي و من هم به امپراتور آلمان مينكاشتم - با این آن يتوا را در میان هم سر و هم چشم سر افكننده و شرمسار نمود و در انجمنها در هنگام مستی از اينگونه سخنان تابهنگام بسیار میسرود - و همينكه جشن این پیمان به پایان آمد بفرستاده ايريش كه در پترسبورك بود پیام داد چونكه پادشاه ايريش چشم بخاك پروسيا دوخته و سازش نمیکند از برای یاری و كمك امپراتور پروسيا از سر نو يك دسته سپاه خواهم فرستاد و براسق اگر بكار بود میفرستاد اما چون از سر بر پادشاهی بزيرش آوردند اندیشه های او به انجام نرسید

( گذارش رها نمودن پترسبورك را )

امپراتور با آنكه كرتار ساز جنگ بود و آهنگ رفتن بسر دانمارك را داشت و آيين كهوری و لشكری درهم و برهم و از هم كسيخته و رشته هيچيك بيكدیگر پیوند نداشت و از آلسوم با دختر بدكاره ( ورنجوف ) بی پرواينه و آشكار بكارمانی میرداخت پس دختر ( ورنجوف ) را روز بروز بزرگی و سخن روانی دست داده انجام كار پیمانی را كه در روزگار جالغينی خود با دختر ( ورنجوف ) در میان گذارده بود كه (كترینه) زن خود را رها نموده و اورا بزنی اختیار نماید با او تازه نمود و دختر از برای سرفرازی خود در هر انجمنی این سخن را بیسان

می آورد و امپراتور نیز از سستی رأی و پستی خوی  
 هزکار و رفتار خود راستی سخن او را میسراند. گذشته  
 از آن تا بلك اندازه خود داری نمیگرد از او نموده  
 نمودن آنکه پس از رهائی (آزادینه) هویدا خواهمداشت  
 که پسر او هم از نژاد من نیست و از جانشینی بی بهره  
 خواهم نمود - و از برای آنکه آشکارا نیاید که اینکار  
 از روی راستی مینایم (شامیلان - کدخدای دربانان)  
 خود را که در روزگار امپراتوریجه به (ایلیچیکری)  
 بدیار دیگر فرستاده بودند به پترسبورگ از برای آنکه  
 کارهای بد او را که بازنش روی داده از زبان او ب مردم  
 بفهمنند خواسته - و با او آواز مهربانی نموده و بیم و  
 امید داده و سراسر می انداخت - چنانچه در پیش گذشت  
 امپراتور در آواز جوانی مردی نداشت و نمیتوانست  
 با زنان نزدیکی نماید پزشکان ما دارو درمان این درد  
 او را نمودند - اما با آزمایش کونا کون هویدا گردید که از  
 او فرزند نخواهد شد پس با نزدیکان خود چنان رای  
 زده بودند که جانشینی از برای خود آماده نماید و بر آن  
 سر شدند (ایوان) نامی را که (الزابتنه) از جانشینی  
 انداخته و در زندان نموده جانشین کنند امپراتور از  
 برای آنکه (ایوان) را بچشم خود دیده و از زنده  
 بودن او آگاهی یابد در جاه بیگانگان و زبردستان در  
 آمده - با چهار کس از نزدیکان خود پنهانی ب زندان در  
 آمد اما آن کودک با خرد و هوش با اندیشه و کان  
 بی بود که امپراتور در میان آنانست و شناخت خود را  
 بیای او انداخته آواز کریم و فریاد نمود - که من در  
 کهواره بوده ام که زندانم فرستاده اند و از آنروز  
 با پدر و مادر و برادرانم از زندانی ب زندانی برده و  
 میبرند - اینک از نزدیکان خود دور و تنها مانده ام و  
 از مرده و زنده آنان آگاهی ندارم و نمیگذارند روشنائی  
 را به بینم فرمان دهید دستوری دهند گاهی روشنی آفتاب  
 و بر توماه را بمن بیاید و از جو رو ستمی که درباره  
 اش روا دیده بودند بی تاب نمودن آغازید - امپراتور از  
 برای خوشنودی او امیدوارها داده و مهربانها نمود  
 پس از آنکه خواستند از او جدا شوند یکی از همراهان  
 نزد کودک مانده از او پرسید درباره امپراتور تازه کان  
 و اندیشه تو چیست - پاسخ داد با سرشت و خوی روسیان  
 کان میکنم سرانجام کار او هم مانند من شود چونکه

از پدر و مادر خود بسیار شنیده ام که روسیان گروهی  
 خود پرست و نا سپاس و کج اندیش و نمک ناشناس  
 میباشند فرمان روانی دیگران را بخود نمی خرند انجام  
 او را از نخت و گاه بزیر می آورند (باقی دارد)

قیمت در پنبه هیجدهم جولائی

§ نرخ پنبه در بازار (لورپول) تا یکدرجه کساد و پنبه زیادی  
 وارد شده موجود است پنبه در بازار (لورپول) (۱۰۰۰) بسته  
 موجود است

§ معامله و حمل بخارج شده - (۵۰۰) بسته

§ امروز وارد شده - (۱۰۰۰) بسته

§ قیمت پنبه متوسط (امریکا) در (لورپول) - رطلی  
 پنج پانس و یک برسی و دو

§ نرخ پنبه اعلاى (مصر) در (لورپول) - رطلی  
 هفت پانس و سه ربع

§ قیمت آینده پنبه که مین و معامله شده است

§ در ماه جولائی - و آگست - رطلی چهار پانس و پنجاه  
 و چهار از شصت و چهار

§ در ماه آگست - و سپتمبر - رطلی چهار پانس و چهل  
 و هفت از شصت و چهار

§ در ماه سپتمبر - و اکتوبر - رطلی چهار پانس و سی  
 و دو از شصت و چهار

§ در ماه اکتوبر - و نومبر - رطلی چهار پانس و بیست  
 و پنج از شصت و چهار

§ در ماه نومبر - و دسامبر - رطلی چهار پانس و بیست و  
 دو از شصت و چهار

§ در ماه دسامبر - و جنوری - رطلی چهار پانس و بیست  
 از شصت و چهار

§ در ماه جنوری - و فروری - رطلی چهار پانس و نوزده  
 از شصت و چهار

§ در ماه فروری - و مارچ - رطلی چهار پانس و نوزده  
 از شصت و چهار

§ در ماه مارچ - و اپریل - رطلی چهار پانس و هیجده  
 از شصت و چهار

§ بازار (نیویارک) بواسطه تعطیل بند است

§ بازار منجمد کان فی السابق است

فرمانفرمای هند

§ اخبارات انگلستان در باره فرمانفرمای هند آرام  
 مختلف دارند - بعضی را عقیده راین است که حکومت  
 هند را (لارد کرزن) قبل از وقت ترك نخواهد نمود  
 برخی میگویند بر ایام حکومت ایشان افزوده خواهد  
 شد در باره (لارد لندون) معلوم نیست که عهده  
 وزارت خارجه انگلستان را ترك خواهد نمود یا نه  
 (لارد کرزن) اسکر عهده قبول کند همانا عهده  
 وزارت خارجه است چه در این اداره مهارت تام و

تجربه تمام دارد و الحاق مستوجب این هبده جلیل هم میباشد و قابلیت و سزاوار انجام ارجندراهم دارد -  
 قدا امریکه مسلم میباشد این است که لارد کرزن قبل از انجام دربار و جفن تاجگذاری دهلی ترک حکومت هندوستان را نخواهد نمود بعد از آن  
 را باید دید

رحلت نواب سر خورشید جاه امیر کبیر

مرحوم نواب سر خورشید جاه بهادر کی - سی -  
 آتی - ای امیر کبیر از طرف امی نیره سکندر جاه  
 مرحوم و خواهر زاده نظیرالدوله مغفور و عم زاده  
 نظام دکن خلافت ملکه بود - خطاب خورشید جاه که باو  
 عنایت شد بواسطه علو خاندان و قابلیت دماغ و کار آگهی  
 نه بوده - بیشتر بملت و جانت شخصی و وقار ذاتی که  
 داشت از جانب امارت باین لقب ملقب گردید - با وجود  
 ثمول و ثروت بی اندازه که دارا بود و باوصف هر قسم  
 ترغیب و تحریصی که از آن مرحوم میشد بر هواجس  
 قفسانی خود استیلای نام داشت - و وقت خود را در  
 معاضل سخت و مهم صرف مینمود - در معاملات علمیه  
 مذاقی نیکو داشت و یکی از سیاحین عصر خویش بشمار  
 بود - قبل از آنکه در هند راه آهن ساخته شود سیاحت  
 خود را در محاکم هندوستان تکمیل نمود - در فن تاریخ  
 نویسی مهارتی بسزا داشت چنانچه کتابی در زبان  
 اردو تصنیف نموده که حالات حیدرآباد ممکن نیز  
 بطریق کامل در آن درج است - ترجمه این کتاب بلغت  
 انگریزی نیز شده است - از جانب دولت انگلیس بمخطاب  
 (نایت کاندنت امپائر) مباحی گردید - بعد از رحلت  
 سر سالار جنک اول چون والا حضرت نظام قانوناً  
 بحد بلوغ نرسیده بودند جمله امور امارت را آن مرحوم  
 انتظام مینمود - و در همان ایام برای ساختن راه آهن  
 (چانده) تحریک نموده بود - در تمام معاملات  
 مهمه ملی رای ایمان تا زمانها گرفته میشد -  
 مشغله عمده آن مرحوم در انتظام جاگیرات (املاک نیولی)  
 خودشان بود و در املاک نیولی خود اختیار قائم  
 نمودن عدالتهای مالی و جنایی داشت - نهایت متین  
 و صاحب حوصله و قائم فیض خود بود - در حلم و  
 رحم و انصاف نیز شهرتی بسزا داشت - در امور مفید عام  
 بسیار سعی بود - در سنه (۱۸۹۷) که خطی در حیدر

آباد رخ داد مساکین و فقرای شهر و نیولات را  
 حیوانات تقسیم مینمود - و بالغ بر سی هزار روپیه درین  
 راه صرف کرد - مرحوم سر خورشید جاه - کی  
 سی آتی - لی - در امارت حیدرآباد مقام ارجند و  
 مرتبه بلند داشت - و در تمام سه شبه بساعت شش  
 این جهان غازی را و داع نمود - نواب متوفی در  
 زبان فارسی و اردو قابلیت بسزا داشت - و در هر دو  
 زبان کتب چند تألیف نموده و (۶۴) مراحل زندگانی  
 را طی نموده بود - بعد از نظام دکن در این امارت  
 اسلامی درجه و مقام آن مرحوم از جمله اصرا و وزرا  
 زیاد تر بود و هفت خطب از طرف امارت یافت  
 که بزرگ ترین خطبهای ایمان (امیر کبیر) بود جنازه  
 مرحوم با نهایت احترام بلند شد - و افواج نظامی در  
 جلو جنازه با نواهای سوزناک سر بازی مینواختند - و  
 مطابق قواعد لشکری جنازه آن مرحوم برداشته شد - تمام  
 اصرا و رؤسای شهر و افسران بومی و انگلیسی - شریک  
 تشییع جنازه بودند نماز جنازه آن مرحوم در مسجد  
 موسوم به [مکه] خوانده شد و در مقبره خاندان نظام دفن  
 گردید آنکه و انالیه راجهون - دو فرزند رشید از آن  
 مرحوم یادگار باقی مانده یکی نواب ظفر جنک بهادر و  
 دیگری نواب امام جنک بهادر - که روشن کننده چراغ  
 خاندانند خداوند طول عمر به بازماندگان نشان عنایت فرماید

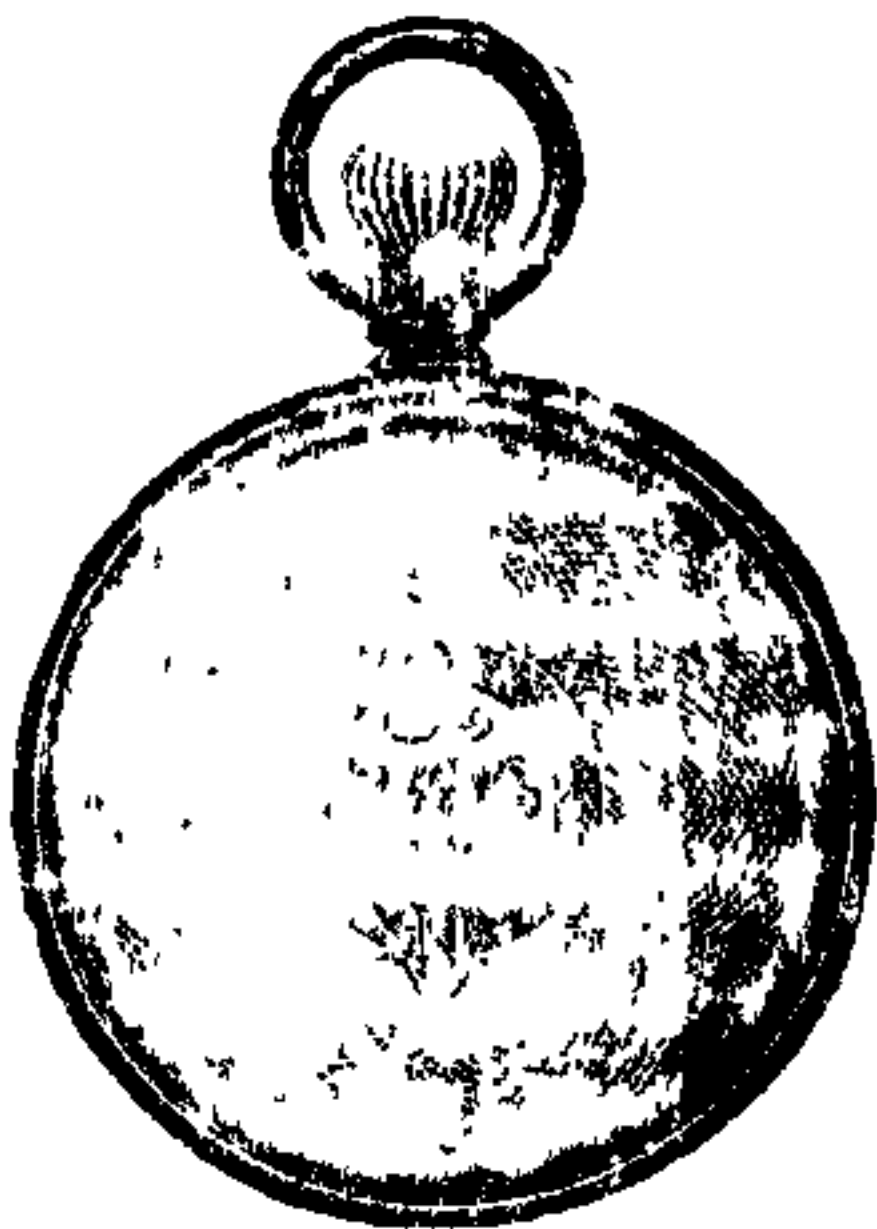
تبریک ورود

جناب هادی الشریعه و مقوم الطریقه مولانا مولوی  
 سلطان الدین مین جمالی حیوری که از اجله فضلالی  
 نامدار و از اطام اهل سلوک صاحب تصانیف چند  
 و عالی قاضل و صالحی متبحر است این اوان رونق  
 افروز کلکته شده - معظم له بیست و هشتم ذیحجه الحرام  
 سنه (۱۳۱۸) بدو برسین سیاحت در کلکته آمده در  
 یتیم خانه اسلامی چهار ماه کامل متوقف و بذکر مصائب  
 حضرت سیدالشهداء علیه و علی آباء التحیه و التنا و محافل  
 میلاد مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و  
 مجالس موعظه اهالی را محظوظ مینمودند عام و خاص  
 در مجالسی که ایشان مستفیض مینمودند شریک و متلاذ  
 میشدند لذات ایشان بر قلوب عام و خاص بدرجه اثر کرد که جمعی  
 از همایند و ایمان و رؤسای این شهر شهر در پیوست  
 ایمان در آمده و مقلد بقلاده سرادیشان گردیدند

نیز بهمین منوال تقریر کرد - بعد از فراغ از طعام آتش بازی مفصلی نیز شد

### اعلان

ساعت تازه (پنت) در امریکا ایجاد شده که نقشه آن ذیلاً موجود است - قاب آن واز و شیشه است در دیدن وقت دقت روی نمیدهد درخوبی این ساعت همین پس که در عرض سال خراب و بند نمی شود - و لو اینکه در هنگام بازی همراه باشد - و اگر از دست هم بیفتد آلات او خراب نمی شود - این ساعت را یکی از صنایع مشهور امریکا ساخته که در ساعت سازی انعامات و نشانیها در نایشکا های چند از دولی خارجه یافته کلید ساعت در دست اوست که در کلید دادن ساعت نیز دقت بار در دست او پیش نمودن عقربه ها هم از همان دسته است - این ساعت مثل تفره از دور جلوه می دهد و رنگ آن هم زایل نمی شود اگر خراب شود با آسانی تمام تعمیرش ممکن است در نشان دادن وقت لاتی و مقابله با ساعت های تکب و غیره می نماید قیمت هر دانه این ساعت پنج روبه بدون اجرت پست است و ضمانت هم برای یکسال داده می شود که اگر ساعت را نشکنند و عیب خارجی پیدا نه نماید سرمتش بانه بر روده خواهد بود هر کس خواستگار باشد بذریعه مدیر اداریه جبلالتین میتواند طلب نمود (منیجر اداره جبلالتین) محمد جواد شیرازی



### راه آهن برقی منچستر و لورپول

یکی از کارخانجات امریکا موسوم به (فرم نیون کپنی) ساختن راه آهن برقی بین (منچستر) و (لورپول) را در چهار میلیون مفاطمه کرده - این راه (۱۴۰) مایل است حملات و کارکنان همه انگلیس خواهند بود ولی همه آلات و ادوات او از امریکا خواهد آمد

### دولتین روس و ایتالی

بعد از آنکه بین دولتین فرانسه و ایتالی درجه اتحاد بحد کمال رسید دولت مشارالیه در صدد اتحاد با دولت روس نیز بر آمد

من جمله کسانی که کسب این فیض نمود - جناب میرزا محمدعلی صاحب - و شیخ علی بن حسن جوهر که شخصاً از نجار محترم با دانش و عربی الاصل است - و شیخ محمد علی رئیس کلکته صاحب - و حاجی عبدالرزاق صاحب تاجردهلوی - و سید نوابلی صاحب رئیس (دهن باری) و مولانا حکیم ابونصور عبدالحق صاحب مرشد آبادی و غیره بالغ بر چهل نفر از منتخبین کلکته داخل در بیعت ایشان شده مسائل شریعت و سلوک طریقت از ایشان تعلم حاصل نمودند و هماره مجالس و عطف و حلقه های افکار و اشغالشان گرم بود - سپس کلکته را وداع فرموده این ایام باز برای هدایت و اشاد مسلمانان این شهر تشریف آورده اند خداوند اهالی را زاید اعلی ماسبق توفیق هدایت بخشاد اعضای اهل جبلالتین که از درجات علمیه و مقام سلوک این فاضل تحریر واقف اند قدوم بیعت لزوم ایشان را در این شهر تبریک میگویند

### لاردرکنچر و سپهسالاری هندوستان

اخبار (دیلی نیوز) تکراراً خبر یافته که [لاردرکنچر] خود نیز شایق سپهسالاری هندوستان میباشد و شخصاً هم مساعی جیه ری آمدن دارد همراهان لاردرکنچر در هندوستان از ایشان خواهند بود

کرنل هویرت هملتن - پیش کار اداره عسکری

لغتنت کرنل برادر - مترجم

میجر منکر -

کپتان بروک - ندیم

کپتان میکول -

### جشن میلاد و الاحضرت نظام دکن در کلبرکه

شب ۱۹ جولائی مناسبت جشن سالیانه میلاد و الاحضرت نظام دکن در مقام (کابره) تمام شهر را آذین بسته و عمارات حکومتی را با سلونی خوش آراسته و پیراسته نموده جرافانی مفصل نمودند - در مجلس دعوت زاید بر پنجاه افسران بزرگ سفره را زینت بخشیده بودند - مهمانان محترم همه لباس های ابریشی زیب تن نموده مجلس خیلی شایسته بود - عبدالقادر صاحب صوبه دار در زبان اردو تقریری عوده از حسن سلوک پدران و الاحضرت نظام خلافاً ملکه تمجید زیاد نمود - نواب فرامرز جنگ ملقदार

چنانچه پادشاه ایتالی مسافرت ممالک روسیه را اختیار نموده و بعد از ورود از جانب امپراطور کل ممالک روسیه پذیرائی شایان اتحاد از ایشان شده مهمانیهای عالیه و دعوتها مخلصانه شد. مشق قشون روس را دیده جامهای صحت از جانبین نوشیدند - و حد تقریرهای خود یگانگی و اتحاد دولتین اظهار می شد در این مقام جای شبه باقی نمی ماند که ماهه روابط اتحادیه دولتین ایتالی و انگلیس که از زمانه دراز بخته شده بود فاسد گردیده - ورنه دولت ایتالیا در صدد قائم نمودن اتحاد با دولتین فرانسه و روس بر نمی آمد در پارلمان انگلستان نیز در این موضوع بحث شده جوابهای مجمل داده خواناموش نشستند (مستربولس) اعتراض زیادی بر کارروائی سفیر انگلیس (لارد کری) در (رومیة الکبری) نموده درین باره لارد موصوف را مقصر جلوه داده که نقض عقد اتحاد و یگانگی انگلند و ایتالی را سبب عمده اوست (لارد کرانبورن) در تأیید سفیر موصوف بر آمده تعریف زیادی از وضع سلوک او نموده و بعضی معاملات که بذریعه او تصفیه شده از قبیل سمالی لیند - و سرحد بندی سویدان - مسئله مالتا - و طرابلس غرب - وغیره را از دانائی (لارد کری) بیان نموده است - ازین بیانات بخوبی ظاهراً میتواند شد که اتحاد ثلاثه بین روس و فرانس و ایتالی حتی الوقوع است - ۱۵ ماه حال اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه مشق (۳۷۷۰۰) قشون روس را به پادشاه ایتالی در (کراس نوزلو) نموده و امپراطور معظمه شخصاً سرداری قشون را فرموده از نزدیکی پادشاه ایتالی گذشته نظاماً سلام دادند - و شب را در (گرفتند) معاینه (فلاینک شب) شده و تالکراف بی سیم را هم ملاحظه نمودند - ۱۷ ماه جولائی پادشاه ایتالی امپراطور روس را وداع گفته بجانب اروپا حرکت کردند

### بوشهر

جنرال قونسل دولت انگلیس مقیم بوشهر به قونسل های تحت حکم خود لایحه قبیل را اعلان نموده است واقعتاً که تازم در مسافرت رطایب خارجه در ایران روی داده و صدمه که بر آنان وارد آمده مارا مجبور میدارد که بشما اطلاع دهم که در حدود خود رطایب

انگلیس را محالست نماید که سفر در مقاماتیکه محل خوف و خطر است و انتظام شایسته نداردند نماید - و اگر مجبور بمسافرت اند قبل از حرکت خود بمسلمان حکام بلدی را اطلاع دهند که در حفاظت آنها تدارکات لازمه دیده شود

### اخبارات خارجه

اعلیحضرت سلطان سفیر عثمانی مقیم لندن را بمنشان افتخار مرصع بجوامر مقتخر فرموده اند  
 § یهودیان اسکندریه مخصوصاً اخباری جاری نموده که در آن مدح سلوک دولت عثمانی و ذم مظالم اروپائیان در باره ایشان نکارش یابد  
 § وزارت داخله عثمانی کویا حکم سریع نموده که در اخبارات ضمیمه شایع نشود  
 § در فرانسه قبرستانی خاصه قمار بازان در (مانتی کارلو) معین گردید، که قمار بازها که مبادرت بقتل خویش نموده در آنجا مدفون شوند از سال (۱۸۶۰) تاکنون متجاوز از دو هزار مقبره آماده شده است  
 § دخل حکومت مصر از جنوری ماه سنه روان تا می ماه گذشته چهار میلیون و صد و چهل هزار (۷۶۶) ایرا بوده - سال گذشته همین ایام چهار میلیون و یکصد و پانزده هزار و (۷۸۸) ایرا بوده است  
 § (سرآرتور لالی - کی - سی - ام - جی) حکم محلیه ترنسوال مقرر گردید  
 § (لارد جارج هملتن) وزیر هند اظهار داشته که بوجه هند را قبل از موسم خزان نمیتواند در پارلمان پیش نماید  
 § بوترانیکه قبل از حتم جنگ طرفدار دولت انگلیس بودند و از جانب دولت مغارالها در مقابل برادران وطن خود آمده بومیان نمک حرام خوانده بخوار میگردند  
 § (کانگریسی) در تحقیق مذاهب شرقیان در یکهوهای ژاپون اکتوبر آینده منعقد خواهد شد  
 § برای صحت یافتن (کونت تالستانی) که یکی از فلاغه مشهور روس و مبتلای بمرض مهلکی شده بود از روی قدرهانی اهل علم در قالب بلاد اروپا جشن گرفتند



اخبارات داخله

§ (لاردرزن) بازو جنتی مان یسکم اکت از شمه حرکت خواهند نمود - از انباله (لاردرزن) لازم (میسور) و زوجة شان بطرف (کشمیر) رهسپار خواهند گردید

§ در بلوک کردی فرمانفرمای هند در (میسور) و (راجپوتانه) مستر (پارس) وزیر خارجه هند نیز خواهد بود بعد از ختم بلوک کردی فرمانفرما با وزیر خارجه در دهلی رفته بعضی امورات لازمه را تدارک کرده به کلکته مراجعت خواهند فرمود - و وزیر خارجه چندی در دهلی توقف خواهد نمود

§ مأمور سیاسی دولت انگلیس مقیم (کشمیر) موسم زمستان نیز در (سری نگر) خواهد ماند یعنی کرم سیر و سرحد نخواهد آرد

§ نایبشکاه آسار بر شمه را در غیبت (لیدی کرزن) زوجة محترمة فرمانفرمای هند (سرجارلس ریواز) خواهد نمود

§ والده مهراجة وزنا کرام بعمر ۷۳ این جهان را ودع گفت

§ امیر کبیر نواب سرخورشید جاہ بہادر کہ بزرگترین و متمولترین امرای حیدرآباد دکن و از نزدیکان نظام بود برحت ایزدی بیوست

§ مهارانی (هتوا) ۳۰ هزار روپیہ برای تائید و امانت بزماندگان مقتولین جنگ ترانسوال بلندن فرستاده است

§ برای ارتکاب قتل يك نفر از (سب السبکتران - افسر پلیس (ندی کرام) حکومت ۴ نفر از بومیان را حکم بقتل - و ۳ نفر را حکم به حبس دوام - و یکی را بقید ۵ سال - و ۴ نفر را قید ۳ سال - و يك نفر را يك سال حکم بقید داده است - و ده نفر ملزمین دیگر بری القمه گردیدند

§ هفته گذشته از مرض طاعون در تمام هندوستان (۱۱۵۸) تلف گردیده - نسبت به هفته قبل از آن (۱۰۰) نفر اضافه شده در امارتہای بمبئی (۷۹۷) در امارت (میسور) (۲۹۴) در پنجاب ۹۵ نفر

§ در غالب ممالک هند باران زیادہ از معمول باریدہ و هوای تند بر ساحل بمبئی نیز میوزد - و در سند و کج - پنجاب - و ممالک متحدہ نیز امید بارتندی میرود

کلیکته

§ منہی ادارة صفای ۲۴ پرکنہ کلکته را مجرم کم کردن کاغذات - يك سال و نیم به قید سخت سزا دادند

§ حکومت بنکال بعد از فراغ از بلوک کردی بتاریخ هشتم ماہ آگست در کلکته خواهد آمد - و سپس برای ادای رسم انکشاف مجسمہ (راجہ مان سنگا) به (لکهنو) خواهد رفت

§ این هفته غالب ایام باران بود سوای کشتافت هوا کہ لازم و ملزوم موسم باران درین شہراست از امراض دیگر شکایت همومی شلیدہ نمی شود - عدہ اموات روزانہ نیز کہ میزان صحت همومی را دست میدہد مثل همین ایام سنوات سابقہ است

§ دخترش سالہ برای ملاقات بعضی از اقارب خود در (۲۴) پرکنہ رفته بعد از یکماہ بخانہ پدر مراجعت نمود و بادر خویش اظهار کرسکی نموده مادرش از دکانی کہ قریب بخانہ او بود حلویات طلبیدہ پس از خوردن احوال دختر متغیر شدہ چون بہ بیمار خانہ (مدیکل کالج) بردند پس از چند ساعت جان سپرد - جسدش را برای تشریح نگاهداشته اند کہ اثر زہر از او نمودار است

§ در محکمہ عدالت پلیس (علیپور) شخصی موسوم بہ (رام دیال داس) و دو نفر از دیگر ہنود از ساکنین (کننگ تون) مجرم شورش و اغتشاش و ملوث ساختن عبادتگا، و ضرر رساندن - پلیس حاضر نمود - ملزمین با یکی از ملاہای مسلمان عداوت و نزاہی داشتند و بدون سبب دروازہ عبادتگاہ را کہ ملای مزبور در آن معتکف بود شکستہ ملا را کتک زیاد زدہ و آن درگاہ را نجس ساختہ اند - حاکم پلیس ہر يك را شش ماہ حبس سخت و بیست روپیہ جرمانہ نمود

§ در (تالی کنج) دو دختر ہشت سالہ و چہار سالہ کنار برکہ آب بازی میکردند پای دختر کوچک سریدہ در برکہ آب افتادہ دلختر بزرگ خواست او را نجات دہد خودش ہم در آب غرق گردید چند نفر این حادثہ را از دور مشاہدہ نمودہ بحدہ دختران رسیدہ دختر بزرگ را نجات و دختر کوچک غرق شد جسدش نیز تا بحال بدست نیامدہ است

بجز روزنامه مقدس  
( ۱۳۱۱ )

اداره جلال المین  
( مهرداد پور استریت نمبر ۲۵ )

کلیه امور اداره

بموجب قانون مؤید الاسلام است

مدیر اداره

آقا محمد جواد شیرازی است

هفته هوشنبه طبع

( و سه شنبه توزیع میشود )

تاریخ هوشنبه

( ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۰ هجری )

مصادف با

( ۴ اگست ۱۹۰۲ میلادی )



ذمه دار صحت و سقم اعلاناتیکه در اخبار داده میشود همان گمانی میباشد که اعلان داده اند

اجرای اداره ذمه دار صحت و سقم عنواناتی هستند که از طرف خود میکنند نه عناوین وقایع نگاران و صاحبان مکاتیب و منقولات یا ترجمه از سایر جراید

قیمت اشتراک  
( سالیانه - - شش ماهه )

هند - و برمه مال

( ۱۲ روپه - - ۷ روپه )

ایران - افغانستان

( ۴۰ قران - - ۲۵ قران )

عثمانی - و مصر

( ۵۰ مجیدی - - ۳۰ مجیدی )

اروپا - و چین

( ۲۵ فرنک - - ۱۵ فرنک )

روسیه و ترکستان

( ۱۰ منات - - ۶ منات )

( در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود )  
( مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

فهرست مندرجات

- تکرات • فواد باشا و اخبارات عربی • افواهاک بیمنی • تصادم • وجه اعانه مدرسه سادات • همه از حالات تاریخی مسلمانان مجمع الجزایر • تلخیص حقوق دول • اسباب ورشو • اعلان • اعلان معین خیاطی ( یوبی نییا ) • ساما توزا • کارخانه اشیامورشو • کارخانه تجارتی ( آ. م. کتی ) کبکی • کارخانه عطریات ( س - ای - جیل و اسک ) • شرح اجرت طبع کتب و غیره • نرنامه • اعلان • حکومت پنجاب • امتحان مدل • حریق • نزاع همسایگان • مکتوب آصفه نام • داستان روسیا • مکتوب از تبریز • مکتوب از طهران • جلال المین • مکتوب از رشت • مکتوب از بادکوبه • مقاله یکی از دانشمندان • منقول از روزنامه اطلاع • قیمت پنبه • دهل • غیرت یا قتل محمد • تجارت افغان و هند • اخبارات خارجه • اخبارات داخله • کلمه کته

تکرات

( ۲۶ - جولای )

اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) بالای کشتی باوزرا بیهاروه نموده فرمان دادند که جشن تاجگذاری در ۹ ماه اگست اعلان و آن روز را تعطیل عام قرار دهند

§ ( لفتلنت جانسن ) که یکی از افسران دسته قشون ( لندن ) را بغل بریکد - فنکچیان پیاده لندن ) است انصافی که از جانب اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) در لشانه بازی معق فنک داده میشود حاصل نموده -  
§ اعلیحضرت پادشاه ایتالی در اواخر آگست ماه جاری رونق افروز آلمان شده پنج روز قیام خواهند فرمود  
§ دوات انگلیس پنج نفر از وزرای مستعمرات را سند اعزازی و آزادی شهر ( ادن بورخ ) داده -  
§ خبر ( روتر ) از ( عدن ) خبر میدهد که تشونیکه بمقابله ( ملای مقتون ) فرستاده شده از ( دامات ) بجانب شمال و مشرق کوچ نموده و از دشت های بی آب کناره جسته ( ۸۰ ) میل دشمنان را تعاقب کرده ( ۱۰۰ ) نفر از ایشان را بقتل رسانیده و ( ۴۰۰۰ ) شتر و ( ۱۷۰۰۰ ) میششان بغنیمت بردند

§ ( ریسدنت لوبه ) رئیس جمهوری فرانس فرمان صادر نموده که در ( ۲۶ ) خاقاه را در پاریس و مذاکات ( روم سین ) بسته مردم را از عبادت در آن مقامات مانع آیند  
§ دیروز در مجلس شورای مستعمرات این مسئله که ( مسترسدن ) پیش نموده موضوع بحث بود که در هر یک از منصرفات باید قشون ( بلشیا ) از دستهای قشون

دو طلب چیده نگاهداشت - و چنان مستفاد میشود که (ستر برادرک) وزیر داخله چند مسئله درباره ترقی عساکر دولت پیش نموده و وزرای مستعمرات بر هر یک از آن مسائل علییده غور و فکر خواهند نمود

( ۲۷ - جولای )

§ ( لاردر رابرث ) در نطقیکه در ( بسلی ) وقت تقسیم انعام دولتی که به تفنگچیان لشانه باز داده بیان کرد مسکه نسبت باصول تمام جنگ قشون ما چنانچه باید نیستند تغییر و تبدیل در اصول لشانه بلزی باید مطابق محاربات یومیه باشد

§ مناسبات دیپلماتی بین دولتین ( ایتالی - سوئزر لند ) بوساطت دولت آلمان از نو قائم شد - و از جانب دولتین ( ایتالی - سوئزر لند ) در ( وژم ) و ( برن ) سفرا مقرر و روانه خواهند شد

§ بموجب خواهش کبئی ( سویس کنال - هرکای نهر سویس ) دکتر ( جرواس ) که از داآقران مدرسه منحنه ادویه بلاد کر مسیراست سپتمبر ماه آینده به ( اسماعیلیه ) خواهدرفت که علاج پشه‌های آنجا را به نماید

§ دیعب در لندن طوفان شدیدی شده و بسیاری از درختهای کهن باغات را سرنکون ساخت اطاقی را که از چوب برای تماشای جشن تاجگذاری در ( گلت این ) در کنار رودخانه ساخته بودند هوا پراکنده در کوچه افکند - چند فالتکه که از آن راه میکششتند و چند نفر طابرین سیله را صدمه رسانید - اطاقهای چوبی که جاهای دیگر نیز ساخته بودند غالب خراب شده است

§ در ( جو هالس برک ) افریقای جنوبی ( میجر لبرا سوسی آهن - رئیس انجمن مزدوران ) از ( نیاساند ) که جوی بومیان در آنجا توقف دارند مراجعت نموده - میگوید که امیدوار شده که بومیان را برای کار مسکردن در معادن راضی نماید بسبب کی مزدوران خیلی سختی پیش آمده در فراهم نمودن مزدوران اروپائی از جهاتیکه از قشون غیرمستمری اخراج شده کامیاب نگردیده اند

§ در مجلس هورائی ( برال ) که مرکز جماعت دج

در ( کیپ ) میباشد جنرال ( بونیا ) اظهار داشت که بوئر ها مغلوب نشده‌اند - آفریقا وطن آباءشان است و آنان باید کوشش نمایند که آرا وطن فرخنده قرار بدهند - و بایست در آینده اولادهای خود را چنان تعلیم و تربیت نمود که بتوانند در جماعت حکام آینده محسوب شوند - جنرال ( دلیری ) اظهار داشت که او مخالف انگلیسی را معزز میدارد و برعکس جاسوسان ملی را - نام ( افریکندر - آفریقائی ) را که فی الحال بحقارت میرند وقتی هم با احترام خواهند برد

( ۲۸ - جولای )

§ روزنامه ( استردرد ) می نویسد که اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) تا بحال صحت کامل نیافته و تمام جراحاتشان نیز التیام نه بریرفته - با وجود این شرکت شان در مجالس جشن تاجگذاری در نهم اگست بدرجه یقین است - ولی از اعلیحضرت فقط همین قدر توقع خواهد بود که مثل شخص مریضی شرکت نمایند -

§ اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) احوال میتواند از بستر برخاسته بر آرام کرسی بنشینند - و خودشان کرسی را حرکت دهند -

§ نهار لندن از معاهده تجارتی که ( سر جیمس مک ) با دولت چین نموده خیلی خوشوقت شده اند -

§ ( سکونت مقسوقانا ) سفیر دولت ژاپون وارد ( پلرزبورخ ) شده و شاهزاده ( کانسو ) سفیر فوق العاده نیز فردا وارد خواهد کردید

§ افواج هندوستانی که برای شرکت در جشن تاجگذاری بانگلستان رفته بعد از آنیکه جهازشان طوقانی شده وارد ( لورپول ) شدند و مهمان شریف ( لورپول ) میباشد

§ چند روز قبل نوشتیم که اعلیحضرت امپراطور روس شاهزاده ( مس تهرسکی ) را برای دریافت علت غوغا بولایاتیکه اینک شورش میباشد فرستاده اکنون اخبار مینمایند که کافتکان خفیه به تبدیل لباس بصورت رهبانان و مسافرین زارعین را ترغیب بعورش مینمایند به بهانه اینکه نتیجه اش تقسیم اراضی از سر نو خواهد شد -

( ۲۹ - جولائی )

§ ( ستر - دلیو - ویلکاکس ) مهمان در خانه

آیلازی مصر به ( لارڈ ملٹر ) حاکم آفریقای جنوبی اطلاعات خود را بیان نموده که فلاح دائمی افریقا جنوبی فقط بذریعہ آبیاری است و چنان می بیند که زمین های پست ترسوال را که اروپائیان در آن نمیتوانند کار بکنند بهندوستانها برای آبادی و زراعت حواله نمایند  
 § جنرال ( پوتها ) در ( استلن باشک ) لطفی داده اظهار داشته است که اگر افریقائیان تعلیم بیابند آنها ضرورت ندارند که از برای دیگران جای خود را خالی بنمایند - جنرل ( دلیری ) بیان نمود که افریقائی در زیر علم علم خوش میتواند سلطنت نمود

§ روزنامه ( دلی نیوز ) مینویسد که ( سر - مایکل - هکس بیچ ) وزیر عالی دولت انگلیس اراده دارد که در سپتمبر ماه آینده روانه هندوستان شود و در جشن تاجگذاری دہلی موجود خواهد بود -

§ ( مسر وائسن - ام بی ) که یکی از اعضای پارلمان بود در فرقة ( لبرل ) شامل شده

§ ( سرکاردن اسپریک ) وارد ( کیپ ) گردید  
 § ( لارڈ کچنر ) خطابي که از دولت انگلیس یافته رسماً اعلان شده و خطایش اینست ( وایکونت - لمرطوم - وال - اسپال )

§ تخریراً ( لارڈ کچنر ) در ( ۲۳ ) جون شکرہ ( لارڈ ملٹر ) حاکم آفریقای جنوبی را بجهة اطانت صادقانه سکه نموده بجای آورد و مخصوصاً شکرہ خدمت گذاری ( بردوود ) را از قشون ( بنکال نسرز ) و ( کراورد ) و ( ویکهم ) از ( اندین استاف کاربس ) و جنرالها ( مہوئن ) و ( تھکر ) و ( دی لایل ) و ( یندن بلد ) و ( اسمہ دورین ) نموده است

( ۴۰ - جولای )

§ قانون مسکری را از ( رودیشیا ) برداشته و قانون ملکی را جاری نمودند  
 § اعلیحضرت ( ادورد ہفتم ) تگہ برعصا کرده چند قدم مشی نمودند -

§ دو امیرالبحر دولت فرانس ( بومنت ) و ( سروان ) را از عہدہ معزول نمودند - یکی برای آنکہ زنی از آشنایان ناچار خود را در مہمانی رسی چهاردم جولای بر خلاف حکم حکومت بحدی در مجلس افسران در

آورد - و دیگری در صفائی جہازات بی پروائی مینمود  
 § در مجلس معاوردہ وزارت خارجه انگلستان ( لارڈ لندون ) و ( مسٹر جرائد بالفور ) و جہی از عہدہ داران بزرگ وزارت خارجه و ادارہ تجارتی و کاشتگان تجارت بحث در مسئلہ تصحیح کرک دولت چین نمودند -  
 ( لارڈ لندون ) تخریرات سفیر دولت انگلیس مہتمم ( شنکهای ) را پیش نمود

§ ( لارڈ جارج ہملتن ) وزیر ہند اظهار داشت کہ تخریکاتیکہ در بارہ تریک برہہ شدہ نتیجہ تقیضہ بی با احتیاط متبادی است -

§ کونت ( ماسوکاتا ) سفیر دولت ژاپون با ( ام - ہی ویت ) ملاقات نمود و شاہزادہ ( کالسو ) سفیر فوق العادہ نیز بحضور اعلیحضرت امپراطور ( روس ) بار حضور یافت -

§ ( لارڈ کراس بورن ) در دارالشورای ملی دولت انگلیس در جواب سؤالی اظهار داشته کہ اورا خبری نرسیدہ کہ دولت روس در جزیرہ بحرین قصد خریداری بعضی از اراضی را نموده است

§ ( مسٹر جبرلین ) در مجلس شورای مستعمرات صدارت داشت و بر مناسبات پلتیکی دولت انگلیس بحث شد

§ ( مسٹر بالفور ) صدر اعظم دولت انگلیس در دارالشورای ملی بیان نمود کہ اجزای کیسیون دربارہ تقیضی واقعات جنک افریقای جنوبی هنوز مکمل نشدہ ( لارڈ الکن ) صدر کیسیون مقرر گردیدہ و ہفت نفر اعضای کیسیون حق الامکان از اہل پلتیک نخواہند بود و بیشتر ارباب قلم معین خواہند شد  
 ( ۳۱ - جولای )

§ اعلیحضرت ( ادورد ہفتم ) برسلطہ جہاز بدون تأیید دیگری چند قدم مشی نمودند  
 § بادارہ راہ آہن افریقای جنوبی فرمان رسیدہ کہ بنظر توسیع راہ های آہن ( ترالسوال ) و ( آرنج ) مساحت آن ممالک را تحدید نمایند

§ ( جنرال پوتها ) و ( جنرال دی ووت ) و ( جنرال دلیری ) سرداران معظم بوئر راجہ غفیری تابندرگاہ ( کیپ تون ) مشایعت نمودہ سوار بر جہاز ( سکسن ) شدہ روانہ اروپا گردیدند

§ دستة جهازات جنگی دولت ایتالیا از (نیروی) حرکت نمود

§ (سپاه) وزیر داخله دولت (سیام) درماده دفع رنجشی و کدورت (سیام) و (فرانس) سفارت فوق‌العاده اروپا نامزد شده است

§ نامه تکار روزنامه (طمس) از (عسکرات) مینکارد که ماقبت مسئله کربک بسی هفت دولت و امپراطور چین انجام پذیرفت -

§ حکومت (واشنگتن) میگوید که دولت انگلستان رضا نداده که خساره لشکر کشی بخاک چین را دول میزان عظام طلا قرار دهند - وچنان مجبور نموده که مرافقه بمحکمه صلح عمومی در (هیک) رجوع شود

▶ نواد پادشا و اخبارات عربی ◀  
 § چندی بود نواد پادشا را بر سر خیالات باغیانه ساری بود - چنانچه (۲۸) فروری با چند نفر از خدام خود که جبه مسلح بودند حمله بر پلیس نموده سه نفر را مجروح ساخت - علاوه بر این چند بار دیگر نیز باغی از بزرگواران باغیانه نموده که نبوت باغیگری او را داد - ازین رو (رؤف پادشا) در عدالت عسکری مقدمه بروی دائر سکرد - علاوه بر حمله پلیس جرمهای دیگرش نیز به پایه نبوت در آمد - چنانچه او را از حکم سلطان به حبس دوام فرستادند و تمام امتحانات و لغاتهای دولتی او را باز گرفتند و نامش از دفتر لشکری محو گردید

§ از جانب حکومت سلیه عثمانی آلات و ادوات جدیدیکه برای زراعت ساخته مجافاً بزراعت داده تا آنها از فوائد این آلات آگاه شده زیاده بطرف زراعت کوشان کردند

§ امسال در غالب ممالک عثمانی زراعت این موسم در نهایت ریح میباشد امیداست غله بسیار دست یاب شود  
 § در فرانس امسال از کثرت باریدن ژاله حاصل و زراعت خراب شده بقیه است از ممالک عثمانی که حاصلش نیکوست طلب خواهد شد

§ اعلی حضرت سلطان علم قدس عثمانی را که آلمانی الاسلامت در حله خدمات به تنه مرصع مفتخر ساختند  
 § در صوبه سقوطه اعلی حضرت سلطان چهار نفر مهندسان را بدین عرض فرستاده که شهر (دربین) که از

بهره (اولی) بهر بیرون آورده بصیقه تر میزند چه در ایام طبعانی همیشه صدمه به زراعت وارد میآید اعلی حضرت شاهنامه ایران ده هزار قرصه برای مصیبت زدگان (ماریتنک) مرحمت فرمودند

▶ افواهاات بی معنی ◀  
 § بعضی از اخبارات انگلیسی مینکاردند که اعلی حضرت شاهنشاه ایران و والا حضرت امیر افغانستان سفرای فوق‌العاده خودشانرا برای شرکت در جشن تاجگذاری دهلی به هندوستان خواهند فرستاد - چنان کان میبود که والا حضرت امیر شاهزاده نصرانه خان را بسمت سفارت فوق‌العاده کسلی دارد

(در باره افغانستان نمیتوانیم رای خود را ظاهر داشت ولی درباره ایران مرگه جیم مول سفرای فوق‌العاده برای شرکت در جشن تاجگذاری دهلی کسلی دارند چنانکه است دولت علیه ایران نیز سفیر فوق‌العاده بفرستد - عقیده ما بر این است که یکی از مأمورین ایرانی مقیم هند رسماً در دربار دهلی مدعو خواهد گردید و پس

▶ تصادم ◀  
 § تلگرافی از سنکاپور به (کلبو) رسیده که در مجور (ملاکا) جهاز [یراس الکسند] و [بن هنکوان] مصادم با یکدیگر شده اول الذکر ضریق مجرم اول و انجینر اول او مع [۹۰] نفر عربان هلاک گردیده کپتان بایست نفر نجات یافتند -

▶ وجه اطمانه مدرسه مبارکه صادات که حسب الاچای ◀  
 (بتوسط جناب جلالت مآب اجل ناظم‌الملک)  
 (جنرل قونسل قفقاز زید اقباله)  
 (جناب مقرب الحساقان میرزا داؤد خان)  
 (قونسل دولت علیه ایران در ولاد قفقاز)  
 (جمع و ارسال نموده بموجب ذیل است)  
 § جناب سلالت‌السادات العظام آقای آقا میرحسن یوسف اوف تاجر سرابی مقیم در بند ۳۰ منای  
 § جناب آقا میر عبدالله ولد ارشد جناب معزیه در سن ده سالگی است ۲۰ منای  
 § جناب غلامت اصاب حاج آقا خلف مرحوم حاجی عبدالله تاجر غامنه ۲۵ منای  
 § جناب آقا میر زمان خان خلف آقا میرصادق آقا اردبیل ۱۵ منای

در تمام جزائر (جاوه) معاملات مذهبی موضوع بحث شد و بسیاری از اهل ملک را مسلمان کرده سپس اهل ملک در اسلام برادران کافر خویش سی بلیغ کردند و مسلمانان بواسطه اشاعه اسلام اعلی درجه تهذیب را پیش نهاد خود کرده با کمال هوشیاری با کفار راه میرفتند و بدو برخی از قوانین اسلام را بجهت جلب قلوب کفار حسب الاقتضاء و المتناسب ترمیم کرده بآنان القا میکرد. تا کم کم کفار زیاده مائل بدین مقدس اسلام شده و بهم مذهبی آنها بیشتر میل و رغبت کردند تمام مورخین اروپا مثل (بکاز) و (سکرافرد) و غیره تسلیم دارند که دماء اسلامی که درین جزائر دعوت اسلام نموده با کمال هوشیاری و نهایت عقل مندی عمل کرده حالات دماء اسلامی جزیره جاوه نسبت بسائر جزائر بیشتر معلوم میشود درینجا بطریق موجز از روی کتب تواریخ (جاوه) چگونگی حالات دماء اسلام و مسلمانان را ذکر مینمایم

اگرچه غالب کتب تاریخی (جاوه) بطریق قصص نوشته شده مطالب مخالف و ضدیکدیگر خیلی دارد که یکی سردیگر را بیض است - ولی بیاد کلیه آن بر تاریخ است و تصدیق تواریخ (جاوه) را اموری چند میتواند کرد که در شهرهای قدیم و قبور مدرسه دماء اسلام است که بعضی حالات بر قبرهای آنها منقوش است با نام آنان - اگرچه تاکنون کسی تاریخ طبیعی (جاوه) را ننوشته ولی هر کس بخواهد بشوید آثارش هویدا و اسبابش جمع است (تاریخ طبیعی تاریخی میباشد که از روی آثار عتیقه ملکی نوشته میشود و از همان آثار عتیقه نیوت مقالات تاریخی هر ملک و ملت را میدهند اینگونه تاریخ تاکنون برین فارسی نیز نوشته نشده از کتب تواریخ طبیعی فرنگ جسته جسته تاریخ طبیعی ایران را میتوان اخذ نمود) باری اگر چشم از مقالات اضراقیه کتب تواریخ (جاوه) بیوشیم حالات دماء اسلام بخوبی بدست می آید

اول شخصیکه از اهالی جزیره جاوه در اشاعت اسلام سی کرد (حاجی پروا) بود که بطریق سیاحت و تجارت بسیاری از ممالک را سیاحت کرده تا بهندوستان رسید در عالم سیاحت با تجار عرب دوست شده کم کم قبول اسلام کرد و قتیکه عودت بمک خویش نمود یکی

§ سکر بلای عبدالله ولد رجب علی مقیم ولاد قنقاز	۵ منات
§ مشهدی احمد علی ولد محمد علی	۳ منات
§ مشهدی اسماعیل ولد محمد	۲ منات
§ آقا علی ولد اماموردی	۳ منات
§ استاد ولد حیدر علی	۲ منات
§ شمسه علی ولد ابراهیم	۲ منات
§ استاد حسن ولد مقصود	۲ منات
§ استاد محمد ولد کربلای اصغر	۲ منات
§ مشهدی عبدالله ولد کربلای رحیم	۲ منات
§ مشهدی محمد ولد اصرافه	۲ منات
§ کریم ولد علیقلی	۲ منات
§ علی اکبر ولد کربلای زین العابدین	۲ منات
§ فرج الله ولد اسکندر	۱ منات
§ مشهدی اصغر ولد کربلای حسن	۱ منات
§ اسمعیل ولد کربلای	۱ منات
§ ابراهیم ولد کربلای رحیم	۱ منات
§ مشهدی اکبر ولد ملا محمد	۱ منات
§ مشهدی عمی ولد مشهدی آقا	۲ منات
جمع کل	۱۲۵ منات

جمع سابق که درج روزنامه مقدس شده و بطهران فرستادن ۵۷۶ منات ۷۵ قک  
جمع کل ۷۰۱ منات ۷۵ قک

شبه از حالات تاریخی مسلمانان بجمع الجزائر (عطف بابق)

§ دزاین امرجای شبه نیست که آزمانه دراز نجار اسلام در آبادیهای کوچک کوچک اسلامی سی و کوشش کرده در جزیره (جاوه) اشاعت اسلام نمودند چه در این جزیره آنگونه مسلمانان و سلطنت اسلامی نبود که بوسیله حکومت و سلطنت اسلامیان مذهب خود را قوی دهند - یا در جنگ وجدل بقوت شمشیر کفار را سلطان سازند - نجار اسلام در جزائر جاوه سکونت اختیار کرده زبان ملک و رسوم و آداب اهالی آن مملکت را آموخته کم کم با آن کفاریکه زیاده معاشرت و معامله داشتند بحث مذهبی را در میان آورده چون فیر و شکر با آنها آمیخته رفته رفته

از اصحاب و داعیان دین اسلام را هم با خود همراه نموده - خواستی برادر و قوم خود ( کین ) را مسلمان نماید درین کوشش کامیاب نگردید - از صدمه یأس و حرمان سر بجنکلی نهاده مفقودالار مگردید -  
( باقی دراد )

تلخیص حقوق دول

( از شماره ۲۸ )

§ ( ۲۴۰ ) قسم دوم مواد مندرجه در عهد عتیقه که کلیتاً با قواعد حقوق دول مغایر و عبارت از بعض احکام است که سوی ممالک عثمانی در هیچیک از دول اروپا جاری نیست که معافیات و امتیازات و مساعدات مذکوره مستند به احکامی است که در اینجا موضوع بحث میباشد و آتیاً قلمی میشود - و اکثر این مواد در کافه عهدنامه هاییکه بدول اجنبی سپرده اند عیناً موجود است

در بعضی از عهدنامه های بعضی از مواد اگر مندرج نباشد چون در تمام عهدنامه ها که دولت عثمانی با دول دیگر بسته است عین این عبارت اندراج یافته ( تبعه آن دولت از جمیع امتیازات و معافیاتیکه تبعه سایر دول از آن مستفید توانند شد تبعه آن دولت نیز استفاده خواهد کرد ) پس هر يك از احکام ولو در يك عهدنامه مندرج بوده باشد در حق تمام تبعه اجنبی جاری است

فقراتیکه موافق عهد داری بکار پردازان و ترجاهالست چون در فصل مخصوص بیان شده در اینجا تنها به نقل فقراتیکه متعلق به تبعه اجانب است میره ازیم در میان فرانسویان اگر قتل و یا شتاعت دیگر بروز نماید سفرا و کار پردازان آنان موافق اصول و قواعد هودشان رؤیت و فصل خواهند نمود و از طرف ضباط ابدأ مداخله نمی شود

اگر قیامین فرانسویان نزاع واقع مربوط بسفرا و کار پردازان آنان میباشد که فیصله نباشد هیچکس مداخله نباید بکند

در میان کار پردازان و نجرانان سایر ملل نصارا اثر منازعه واقع شود بر موجب رضا و خواهش و طلبطرفین دعوی آنان بسفرا آنان که مقیم اسلامبول است حواله شدتش جایزست ولات و حکام و قضای و ضابطان وامنای گره تا مدعی ومدعی علیه رضا ندهند

نکویند ما استماع دعوا خواهیم نمود اجبار نمایند اگر یکی از فرانسویان ببرد کسی به اموال و متروکات او مداخله نموده بهرکس که از برای هود وسی تعیین نموده سپرده هود - و اگر بدون وسی مرده باشد بتوسط کار پردازان به رفقای هموطن او سپرده شده مأمورین بیتالمال و قسام مداخله نمایند

از فرانسویان و یا کمانیکه در زیر لوای آنالست اگر کسی قتل و یا مرتکب جرم دیگر شده باشد - و رویتش از جانب شرع شریف لازم آید قضات و ضابطان عثمانی باید در حضور سفرا و کار پردازان و یا وکلای آنان استماع و دقت و تفتیش و تفحص شود در نبودن مغایر شرع شریف و احکام معاهده نامه که به آنها سپرده شده اگر بین نجران فرانسوی و شخص آخر نزاعی واقع شود قضات بدون حضور نجران فرانسوی دعوی آن را استماع نمایند

و اگر نجران آنان در يك مصالح مهمی بوده باشد تا آمدن نجران توقف شود و آنان نیز تامل در آوردن نجران نموده و عدم حضور نجران را بهانه و دست آویز تاخیر قرار ندهند - در خصوص بیع و شرا و تجلوت و کفالت و سایر امور شرعیه اگر نجران و ترجانان و کار پردازان فرانسوی بقاضی مراجعت نموده و در سجل ثبت کرده و یا حجت اخذ نموده و در آن خصوص نزاعی بروز نماید حجت و سجل را دیده بموجب آن عمل نمایند و اگر هیچیک از آنها در دست نبوده و از اراة تواه عاجر ومدعی چیزی باشد که مخالف شرع شریف است مادامیکه حجت محضی قاضی در دست ندارد و در سجل مقید نیست آنکونه دعاوی مخالف شرع شریف استماع نشود از تبعه دولت عثمانی اگر يك فرانسوی در صد دعوا بر آید تا در دست مدعی نمسک و سند شرعی نباشد دعاوی آنان استماع نشود

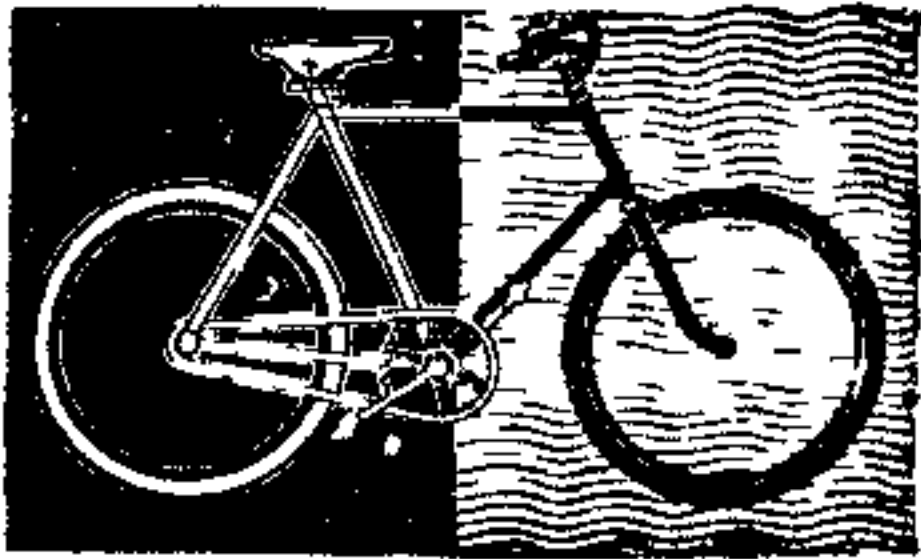
فرانسویان و یا آنانکه تبعه فرانسوی میباشد اگر با تبعه و رعایای عثمانی دعوی طلب داشته باشند در صورتیکه حکم بحقیقت آنان صدور یافت و از جانب اجرا پس از وصول از وجه تحصیل شده بموجب عهدنامه قدیم صدی در حق تحصیل و خرج محاکمه و مباشره و احضاریه برداشته شده و پیش از صدی دو مطالبه نخواهد شد

اعلان

دوچرخه های اعلی معروف به ( انفیلد ) قیمتهای

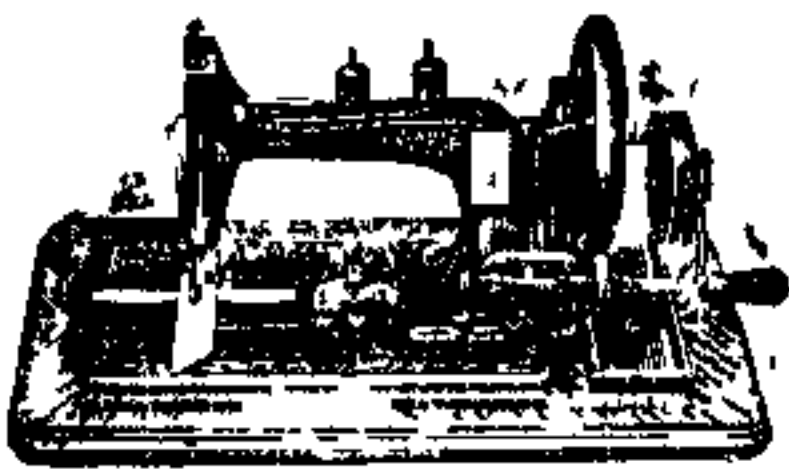
مختلفه

جهت زرکهای و همچنین اطفال با ضمانت در استحکام دوچرخهای و عیب نکردن آنها با جمیع اسباب و ملزومات دوچرخه یکجا فروخته خواهد شد



خریداران محترم و طالبان دوچرخه و صورت دوچرخه هارا با تفصیل یعنی کتابچه مصور مجانی میتوانند بخواهند در صورتیکه مجبور بخریدن هم نیستند آدرس در شهر مسکو شرکت ( انفیلد )

The Enfield Co Ltd, Moscow, Russia.  
No. 1131.



یوبی نی

کارخانه ایست که چرخ خیاطی و بازاری را با ضمانت می فروشد بسیار محکم و بی صدای تند و سبک کار و بی مانند

اول کارخانه چرخ خیاطی است در روسیه شرکت ( یابو کبای )

آدرس - در کوچه ( از نامتکا ) خانه خودش تفرقه برای خواهانش فرستاده می شود

و فرانسویانیکه در ممالک عثمانی سکنا دارند خواه متاهلی و خواه مجرد کسی نباید آنان را بسبب طلب جزیه برنجاند

و از اهالی حرف خواه از طرف ممالک دولت عثمانی و خواه ضبط ملک بلا موجب جبراً بمحل سکنا فرانسویان نباید داخل شوند - و اگر دخول بمسکن آنان لازم آید باید سفیر یا کارپرداز را آگاه نموده و با مأموریکه از طرف آنان تعیین میشود بدان جاروند و برخلاف اگر حرکت شود بعدالتحقیق مجاسر تأدیب شود

و از تبه و تجار ( اوستریا ) کسی در ممالک عثمانی ببرد هیچ وجه من الوجوه نباید مال و اشیاء او مداخله و تعرض و وضع بد و مصادر شود - باید تسلیم نمود به کسی که از طرف سفارت و کارپرداز خانه جبهه ضبط آن مال تعیین شده

و اگر از تبه عثمانی کسی در ممالک اوستریا وقت نماید به اموال و متروکات او تعرض ننمده و ما یملک او را به کارپرداز دولت عثمانی تسلیم خواهند نمود ( باقی دارد )

اسباب و رشو



کارخانه اسباب و رشو و مفوض سازی در شهر ( ورسو ) متعلق به ( یوسف فراتر ) کارخانچی دربار هاپونی اعلیحضرت شاهنشاه ایران

یکی از مغازه ها در شهر مسکو در سکوچه ( کوزنسکی مست ) در خانه ( زاخارین ) در هنگام بازار مکاریه در شهر ( بیژنا ) در ردیف ( کلا و تاپا لیان . او . نمرة ۱۸ )



ساما توزا



§ واضح بوده باشد که تجربیات و تفریحات اطباء حاذق ثابت کرده است که جهت رفع علت کم خونی بدن و سستی و امراض عصبانی که موجب تولید ضعف بنیه میشوند بهترین چیزها استعمال کرد (ساماتوزا) میباشد

این کرد محرك اشتهاى تام و فریبى و صحت و همچنین پرمایه کردن و خلقت شیر و ازدیاد آن جهت مادران و دایکان که خوبی شیر آنان شرط است میباشد

این کرد موسوم به (ساماتوزا) در جمیع دواخانها و دکاکین ادویه فروشی بمصرف فروش میرسد

شرح خواص این کرد مذکور و عقیده اطباء در حق این درمان - دروچه مخصوص چاپ شده و برای آنایکه مایل بکسب اطلاع از خواص آن بوده باشند مجاناً فرستاده میشود از خانه تجارتی مذبوره آدرس: ( فریدریک بایر و کمپانی ) در شهر مسکو - در محل ( استارا یا پلشچاد ) خانه ( آرماند )

No. 92053.

کارخانه اشیاء و رشوی و مفوض موسوم ( برنر فسکی )

مال ( آرتور کروپ )

مغازین در شهر مسکو در کوچه ( کورلسکی پوست )



در یر منکا مکاریه ( در شهر نیزنا ) در ( کلاونی ریاد ) نمبره ۲۳ و نمبره ۲۴



کارخانه ( آرتور کروپ )

معرفی میکند ظروف و اشیاء خود را

که از فلز سفید اصله موسوم به ( الپاکه ) ساخته شده و طبعاً سفید است جهت هتلها و مهمانخانهها و اشخاصی که استعمال کنندگان این قسم ظروف میباشد - و هکذا قسمیکه روکش مستحکم از تفره اصل دارد و خواه از خود فلز سفید اصل باشد و جهت ایران مخصوصاً ساخته شده از قییل ( سماورها ) و ( سینیها ) و ( جاشیدانها ) و ( قنددانها ) و ( تنسکها ) و ( آفتابه لکن ) و ( غلیانها ) و غیره و انواع ظروف جهت آشپزخانه فلز نیکل اصل

وکیل این کارخانه جهت طهران ( ویلیم بلومان ) در طهران میباشد

کتابچه مصور بتصویر اشیاء مذکوره مجاناً برای طالبان فرستاده میشود

No. 95189.

مسکو در روسیه

خانه تجارتی (آ. منی کتی) و کپانی

در شهر مسکو در میدان (گروژینسکایا پلشاد) در خانه (کالینی نا)

همیشه اتمه ذیل بقدر کفاف حاضر و موجود است

کاش جیر و چکمه های جیر بانواع و اقسام

جیر برای چرخهای کالسکه و درشکه و دو چرخه های معمولی و دو چرخه بخار (ماتر)

بالا پوش ها و بالتوهای جیری برای بارش انواع و اقسام

پارچه پشمی و پنبه ممزوج بجیر که رطوبت بآنها اثر نمی کنند انواع و اقسام

اشیاء جیر معموله اطبا و دکترها و مریض خانه ها

اسباب بازی جیری از قیل کوی ها و قیچها و غیره

ملزومات ماشین آلات از جیر انواع و اقسام

جیر اصل (پارا کز می) کمیلستیک و هکذا روغن جیر بانواع رنگها - و واکنس برقی و شفاف کننده ارمی ها

و هکذا - سریشم جبه چسپاندن اشیاء جیری از کنش و کاش و پارچه و جیره های دور دوچرخه و غیره

خانه تجارتی مذکوره قبول می کند فرمایش انواع اشیاء از جیر و کمیلستیک

این خانه تجارتی اشیاء فوق الذکر را از خانه های تجارتی دیگر صدی (۲۰) الی (۳۰) ارزان تر میفروشد

No. 101622.

شرح اجرت طبع کتب و غیره

اعضای مطبع بشرايط ذیل برای طبع هرگونه

کتب عربی - فارسی - اردو - و غیره حاضراند

(اول) - اجرتیکه ذیلاً در نرخ نامه معین شده

فقط برای نوشتن و باحروف چیدن و طبع کردن

کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلدبندی

و غیره بدمه مالک کتاب میباشد - ولی احزای مطبع

حاضر اند که بهر قسم دستور العمل داده شود تمییل نمایند

(دوم) مطبع ذمه دار همت مطبوعات خود مطابق

نسخه اصل است

( سوم ) - میزان يك جزو را چهار صفحه

با دو ورق جلدالتین قرار داده ایم - اهم براینستکه

همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده

صفحه قرار دهند يك جزو محسوب خواهد شد -

اگر اندکی بینی تا نیم (انج) - ربع کره قطع کاغذ کم

یا بیش باشد بهمین اجرت محسوب خواهد بود

( چهارم ) حروف درشت و متوسط و ریزه از

ملاحظه لوحه اخبار جلدالتین ظاهر میتواند شد

کارخانه عطریات متعلق بخانه تجارتی

(س - ای - چیل و تسکی)

در شهر مسکو در کوچه نیکلسکی

این خانه تجارتی عطریات و صابون های ذیل به

خریداران محترم معرفی مینماید - بهترین صابون برای

بزرگ موسوم به ( یواسی ) جبه نرمی و سفید کردن

پوست

همچنین عطریات ( روری Reverie ) از

صابون - و عطرها - و پودر - و ادکلن که در

استمرار و لطافت بوی مانند است

همچنین عطریات ( پارفنی Parphenis )

(۶) نوع عطر معطر با دوام اعلا صابون - پودر -

ادکلن

No. 101618.

از اصرار پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع ام از  
 نه نسخ - مستطابق - شکسته - مطابق خطوط متوسطه  
 مطبوعات بمبئی و سایر بلاد هند خواهد بود  
 § (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام  
 امور فی جزوی ده روز مقرر است  
 § (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود  
 و نصف دیگر پس از اتمام نصف (مدیر مطبع)  
 \* نوح نامه \*

بس عیان است حاجت به بیان نیست - عجب نمیباشد که  
 در زمانه قلیلی اهالی اروپا که در مملکتشان بازار علم و  
 حکمت کمال کرمی را دارد - و هر روز امر تازه از آنجا  
 احداث میشود رشک بر ژاپونیان برند - مدتیست حکمای  
 اروپا درباره باران مصنوعی مسامی کهمه بکار برده و تا  
 کنون بدرجه کمال کامیاب نگردیده اند - حکمای ژاپون  
 با این که تازه در این میدان قدم نهاده کامیابی بدرجه  
 کمال حاصل نموده اند

چنانچه در کوه (سما) تجربه باران مصنوعی را  
 نموده و نتایج آن را تمام و قابل اطمینان یافته اند -  
 در ساعت یازده بعملیات آن شروع شده تا روز دیگر  
 ساعت نه بر آسمان اثری ظاهر نگردید - سپس از  
 همان مقام مخصوص که تجربه شده بود ابر برخاسته و  
 باران بقسمی شروع شد که دوازده ساعت کامل میبارید  
 و چند میل زمین را سیراب کرد

حکومت پنجاب

§ در معیت حکومت پنجاب بشمله باید بروند

بموجب ذیل قرار یافته	
افسران اروپائی	۳۲
عیال و اطفالشان	۵۷
افسر بومی	۱
عیال و اطفالش	۶
ملشیان اروپائی	۲۶
عیال و اطفالشان	۴۵
ملشی های بومی	۶۶
عیال و اطفالشان	۹۱
ملازمین افسران اروپائی	۴۰۱
ملازمین ملشیان اروپائی	۸۱
ملازمین متفرقه	۲۰۳
جه	۱۰۱۳

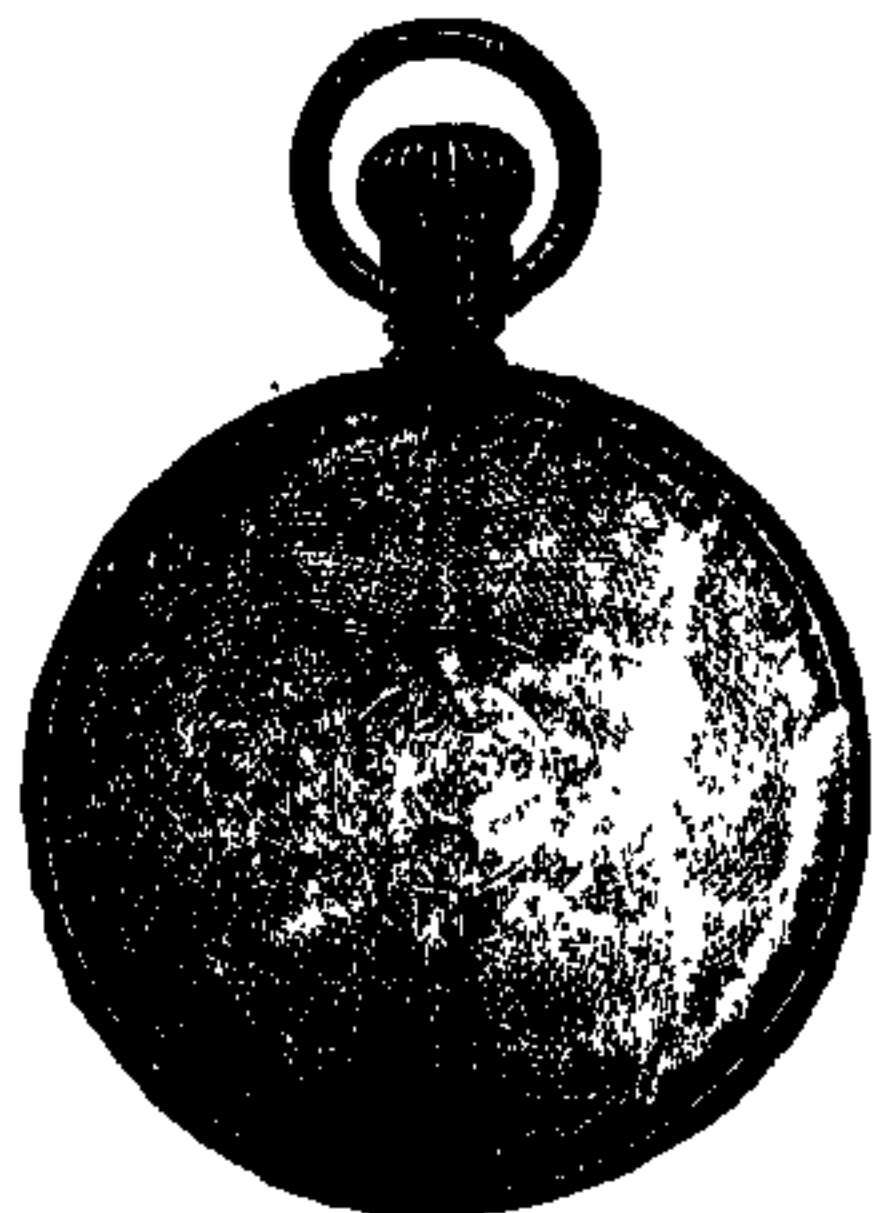
امتحان مدل

§ (امتحان مدل) که یکی از امتحانهای تعلیمی  
 مدارس انگلیسی است موقوف خواهد شد و عنقریب  
 اعلان رسمی حکومت درین خصوص جاری خواهد  
 کردید طلاب علوم مدارس انگریزی صرف یک  
 امتحان قبل از درجه (انترس) خواهند داد و سپس  
 امتحان (اپریمی) که در آن قابلیت و استعداد

فی جزو	حروف ریزه	حروف متوسط	حروف درشت	خطی	سنگی
هزار و شصت	ده رویه	نه رویه	هشت رویه	هفت رویه	پنج رویه
پانصد و شصت	هشت رویه	هفت رویه	شش رویه	پنج رویه	چهار رویه

اعلان

§ ساعت تازه (پنت) در امریکا ایجاد شده که نقشه  
 آن ذیلا موجود است - قاب آن و از و شیشه است در  
 دیدن وقت دقت روی نمیدهد - درخونی این ساعت همین پس  
 که در عرض سال خراب و بند نمی شود - و لو اینکه در شکار  
 یا بازی همراه باشد - و اگر از دست هم بیوفته آلات او خراب  
 نخواهد شد - این ساعت را یکی از صنایع مشهور امریکا ساخته  
 که در ساعت سازی انعامات و نشانها در نمایشگاه های چند از دول  
 خارجه یافته - کلیه ساعت مزبور هم دسته اوست که در کلید دادن  
 ساعت نیز دقت باز کردن قاب نشود پس و پیش نمودن حرکت  
 هم از همان دسته است - این ساعت مثل تفره از دور جلوه  
 می دهد و رنگ آن هم زایل نمی شود اگر خراب شود با آسانی  
 تمام تعمیرش ممکن است - در نشان دادن وقت لاتی و مقابله  
 با ساعت های مکب و غیره می نماید - قیمت هر دانه این  
 ساعت پنج روپیه بدون اجرت پست است - وضمانت هم برای  
 یکسال داده می شود که اگر ساعت را نشکنند و هیچ خرابی  
 پیدا نه نماید سر منش بدمه فروشنده خواهد بود - هر کس  
 خواستکار باشد بذریعه منیجر اداره جبل المین میتواند طلب نمود  
 ( منیجر اداره جبل المین) محمد جواد شیرازی



ژاپون

§ ترقیات ملت و دولت ژاپون هر عمالک شرقیه از

گاه و چند بسته نخود و چند صندوق روغن چیز دیگر سوخته و تخته بالای خن هم داغ کرده نقصانی بجهاز نرسیده - تقیث در سبب این حریق از جانب اداره عسکریه نیز شده علی حذاینکه ذکر شد بیان نموده اند

### ◀ نزاع همسایگان ▶

§ روزنامه (نووی ریمیا) بر لطق (لارد کرن بورن) که در دارالشورای ملی انگلستان در جواب مسئله حقوق کپنهایم انگلیسی در ماده ساختن راههای آهن ایران داده - نکته چینی نموده اظهار میدارد که اتحاد دولتین ایران و روس دولت ایران را مجبور داشته که بدون اجازه دولت روس امتیاز ساختن راه آهن جنوبی مملکت خود را بدولت انگلیس نهد - تا وقتیکه دولت روس راه آهن شمالی ایران را بسازد - چه اینگونه امتیاز دادن بدولت انگلیس مانع پیش رفت بلژیکی دولت روس است در صورت وقوع این امر لازم می آید بدولت روس که فسح عزیمت و خواهش خود را درباره حاصل نمودن راهی به بحر هند بنماید - ولی در هر صورت میتوان گفت سفارت انگلیس در محدود نمودن معاهده دولتین ایران و روس تا یکدرجه کامیاب شده - و اگر دولت روس درین قصد مستقیم ماند که راهی به بحر هند پیدا نماید و بدین خیال خویشتن را مصروف سازد دولت انگلیس بیشتر سعی خواهد نمود که حقوق دولت روس را در خاک ایران محدود سازد

این اوقات نمایندگان با سیاست و پاتیک دول خارجه داخل ایران شده و میشوند و حال آنکه هنوز راههای آهن بساخته نشده است و اگر امروز دولت روس اقدامات مجدانه خود را بکار نبرد دور نیست پس از چندی کامیاب نشوند کردید

### ▶ مکتوب قصه نما ▶

( شماره ۶ )

§ ای هموطنان عزیز من که فساد اخلاقی بیخ جمیعت راست - و آسمان حکومت شما را مکدر کرده است - شما خوب میتوانید با چشم یقین مشاهده کنید ویرانی اینجا را - امروز بدقت تمام عقلای عالم را رزائل و قباچ ایام زندگانی ما موجب رفت است

مؤید - کاتوزی - بازرگان - برزگر - دهکانی - سپاهی -

طلاب در زبان بومی ثابت شود گرفته خواهد شد از آن بند طالب علم را اختیار خواهند داد که در السینه دیگر خود را کامل نماید تا در تعلیم انگریزی اهتمام میکند - برای تعلیم زبان قومی سه درجه را لازم همبرده اند - مختصراً چون طلبه از مدرسه بیرون آید بزبان قومی در نوشتن و خواندن استمداد حاصل خواهد نمود - امتحان زیاد دادن سودمند معلوم نموده تا یک اندازه ملاحظه از سلسله تعلیم خواهند نمود بعد از ختم یک درجه لازم است که امتحان از او گرفته لیاقت او را بمحک زنند

### ▶ حریق ▶

§ شب پنجشنبه گذشته بر جهاز (پتاکوته) که برای حمل قشون اجاره شده بود حریق شدیدی روی داده جهاز مزبور در کنار بندگاه نمبر ۳ در کارخانه کشتی سازی (خضرپور) برای حمل دسته قشون پیادگان بمبئی نمبر ۱۴ لشکر اندامت روز جمعه روانه چین شود - از صدمه حریق فعلاً ررانگی را موقوف داشته تا علت این حریق را تقیث نموده مجدداً سامان سفر آماده دارد - ساعت یازده شب ( مستر مک نیون ) انجیر پنجم در آتش خانه مشغول بکار خود بود ملاحظه کرد که از غن نمبر ۳ درد بلند است - چون بر سطحه جهاز آمده دید از بادگیر جهاز نیز دود بر میخیزد مشارالیه عملجات را از آتش زکی آگاه نموده فوراً آلات اطفائی که بر جهازه وجود بود افسران و خالصیان بکار برده و نیز جهاز اطفائی شه بندر موسوم به (هوکلی) بمدد رسیده پس از نیم ساعت دسته ( قایر بریکد - صلیجات اطفائی ) افسری ( مستر جانسن ) بایک انجن باصر ( مستر کلیر ) انجیر بزرگ به ناخدا آمدند ( سوپرائنتندنت صری من ) و ( اسپیکتر کریکن ) و ( کومر ) و افسران کارخانه کشتی سازی دولتی نیز حاضر شده همه در خودگی این حریق سعی نمودند که آتش بر تمام جهاز سرایت نکند پس از معقت زیاد در این بار کامیاب گردیده آتش را در غن که بستهای گاه و نخود بود محدود داشتند - تاقت ساعت دو و نیم صبحی صمله آتش را فرو نشاندند - باعث حریق آنچه بیان شده اینست که بستهای گاه و نخود بسبب جرابه غن بهود پنجه آتش گرفته اند - جز بستهای

جمعیت و طبقات عوام لاهوتی قسم است - استقلال ملی که راجع بتمام افراد است دوچار تزلزل است - وزرا - وکلا - املا - امرای - رجال کفایت - بسته کان خانواهد های بزرگ - بزرگترین اسماء الهی قسم است - دست روزگار در آستین نیرنگ های عجیب دارد - که مفاد همه آنها ذل بندگی و عبودیت است - از برای ما کفتم و گذشتیم چکلم بچاره ایم درمانده ایم کارها درهم است کره ها محکم - بود آیا که در میکره ها بکشایند

نمیدانم بقانون شرق اگر در روزنامه بدرگاه خداوند دست مناجات بریم مشروع است یا نه کان میکنم چون کلامی مانده است و میزان صحبت طفلانه ضروری ندارد در ممالک متمدنه روز نامجات مصدر خدمات بزرگند - و مطبوعات صحیفه فرای جلالت قوم و حای هنوان ( لا تاخذنه سنة ولا نوم ) اگر مدیر روزنامه مردی منمست پرست نباشد - و خدمت بافراض شخصی نکند - اول وسیله ترقی يك جمعیت توسیع دائرة مطبوعات است المشافهه اگر وفق همد تاریخ معابر مات را مینویسیم تا مردم ایران بدانند که هر زمان یکمخسرو ۴۴ روزنامه ماهواری از ایالات ایران بمرکز حکومت میرسیده است غیر از روزنامجات یومیه

باری اول خدمت روزنامه ناصحی مشفق و بینرض است از برای دولت و حکومت و علمای روحانی را خادم است در تبلیغ و اشاعه احکام شریعت - و حکمای فلسفی را معین است در تحقیق و نشر مراتب و وسایل آمایش هیئت جمعیت خطبا و فصحای قوم را میدانیست و صبح و منبری است رفیع از برای جلب توجه کفیات در حفظ استقلال است - وزرا و عهده داران امور را نمایشکاهيست از برای نشان دادن کالای کفایت و جواهر درایت ارباب حرف و صنایع را معرفيست فصیح - و از برای رواج بازار تجارت جارچی خوش ادا و ملیح - نوآمیزان ادب را میدان مسابقه است - و از برای دانایان رموز محل مکاشفه - حامی مظلوم است - و غوث درمانده - و بنای بچاره - محل عرض حاجات است - و چون ما بر شکستکارا طور مناجات

بس در مقام مناجات عرض میکنیم - بار خدایا ما از کثرت غفلت بر ذائل اخلاق متمسک شده ایم - و از همان اطواز کناره جسته ایم - بر حسب دستور کلیه همه

روزه ملشی قدر در دفتر مقدرات استقبال پیش آمد احوال ما را قامت نبدان میدهد - بدرگاه تو پناه میبریم از مفردات ردائل که ما محل اجتماع آنها شده ایم رحمت خود را بر ما میفول فرمای - ما بر حسب بزرگی و قدم و شرف و مجد و عزت اقدم و اشرف و امجد و اعز اقوام بوده ایم - دست ایام بواسطه امراض ما ازدستور قدس و ظهور خبائث در هیئت و جمعیت ما بنای دولت و اساس حشمت و سلطوت ما را درهم شکست - امروز بچاره ایم و درمانده ایم - بدرگاه سلطنت تو آمده ایم بآیات - بارکات - رایات تفاق است را سرتکون و اعلام اتقاقتار تموجی از نوده - به کلمات اقدس و مقامات امنع نفس مقدس پادشاه را بر ما مهربان فرمای - و کلامه علیای پادشاهی را بطرف رحمت بربرایا تمایل ده - و بسلاسل مقدسه و خشورانت سلسله جهل بر کردن کار گذارانی گذار که بند بگردن مطبوعات ما گذاشته اند - و از شامت آیه این فعل خافله نشسته اند - و بپندکان بر کرده ات که ما را موفقی بدار بدرک ملکات قاضیه - و طلب حکومت مادل - ونهم تکالیف یومیه - و شناختن حقوق بشریه ( یا ایها العزیز مسنا و اهنا الضر وجنا بیضاعة مزجات قارف لنا الکفیل )

این دعا از تو اجابت هم زو

پس حالا که روزنامجات در ممال خارجیه محل عرض همه گونه هزار است - ما هم از ارباب قلم و صاحبان معارف و حکم الناس کلیم - که حکما - ادبا - شعرا - فصحا - خطبا - بزرگان - وزرای با ناموس - اصحاب حیت - ارباب غیرت - بیایید پنجه در پنجه وفاق کنید - از امراض شخصی کناره جوئید - هر چه از نقائص و مواعظ میدانید تذکره خاطر انبای وطن کنید - اگر فکر میکنید که روز نامجات در داخله مملکت شما ممنوع است - من بشما املیت مطلقه میدهم که امر پدر مهربان شما درین سفر فرنگستان بازادی مطبوعات داخلی نماند خواهد یافت - چرا که تمام ارباب قلم ناصح و خیرخواه حوزه سلطنت اند - و خانواده دولت - و اگر نه بدون سبب بخود زحمت دادن - و اعتراض مطقی جهال را بخود دعوت کردن - از شیوه عقل بر کنار است - خدای من میداند - ذمت فکری من رهین همه گونه آلام یومیه است - مع ذلک گاهی از وضع ایام

مساعدت صحرانگه چند سطرى باندازه فهم خودم  
 متخرف باقى ميكنيم. درميان شما مردم با علم هست.  
 مردم با اطلاع هست. چرا مضايقه ميكنيد. چرا درين  
 وقت تنك خاموش نشسته ايد. چرا بطلب حشمت كشيده  
 خود نيسيد. چرا در حفظ استقلال آتية ساعتى وقت  
 صرف نميكنيد. ما يوس مباحيد. ممكن است دست ايام  
 بمن مهلت نداد كه ديگر قلم بردارم و جبهه اطفال وطن  
 خودم قصه بنويسم. از بزرگان تا طبقه اطفال مكتب  
 را خالصانه نمنى ميكنيم كه كلمه مقدس وطن خودتان  
 را هريب و تنها بكذاريد. و در معاونت او از ماى  
 منعيبيد. رفقاى كوچك يعنى اطفالى كه درين مكاتب  
 جديد رفته اند

روزنامهجات از براى فروش فضايلى شما كه قالب  
 از پدزان هشتاد ساله خودتان فاضل تر شده ايد باز  
 است حركتى كليد. تبلى بدبختى مى آورد. بگوئيد.  
 بنويسيد. موعظه كنيد. من بشما سرمشق ميدهم.  
 بزبان ايرانى. يعنى بلسان منبرى. موعظه ميكنم.  
 شما هم از روى اين سرمشق بلسان خودتان بر رفقاى  
 بى علم خود موعظه كنيد. ولى بر كلمات من عيب  
 مكيريد. عيب جوئى درين موارد از سياآت بزرگست.  
 ولى از شما خواهش ميكنيم كه هر خطائى در قلم من  
 است با تلم فضل تصحيح فرمائيد. ولى خطيآت شخصى  
 مرا محل دقت قرار مدهيد.

من اگر خاتم اگر كل چن آرائى هست

كه از آندست كه مى پروردم ميرويم  
 (ادع الى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم  
 بالقوى احسن) خوبست از احسن موعظت شروع كنيم  
 (يا ايها الانسان ما ضحك بربك الكريم) ترجمان  
 سفارتخانه لاهوت در نهج بلاغت اين قسم ترجمه ميكنند  
 (يا ايها الانسان ما جرك على نبيك وما ضحك بربك) وما  
 ادك بهلكة نفسك. اما من دانك بلول. ام ليس  
 من نومتك يقظة. نداو من داء الفرة فى قلبك بزمرة.  
 ومن كرى الفلة فى ناظر ك بيظته. ولا تفرنكم الحيوة  
 الدنيا. كاهرت من قبلكم من الملوك الماضيه. والسلاطين  
 الحياره. هم اطول منكم اماراً. واهم رياراً. و ابد  
 اناراً. اصبحت واقه اصواتهم هامدم. و رباحهم رآندم. و  
 اجسادهم باليه. و ديارهم خاليه. و آثارهم طافيه. كاقال

(ان فرعون علا فى الارض وجعل اهلها خيماً يستضيف  
 طاقتة منهم يذبح ابناهم ويستحي لساهم انه كان من  
 المفسدين) وكم قصصنا من قرية كانت ظالمة والناس من  
 بعدهم قوماً آخرين. قل الحق من ربكم فمن شاء فليؤمن  
 ومن شاء فليكفر. انا اعتدنا للكافرين تاراً احاط بهم  
 سرادقها. و ان يتفتشوا يفتأو بها. كالمهل يعوى الوجوه  
 بس الشراب وماتت مرتفقاً)

اين منظره تابناك خودر شيد بر فرق بسى پادشاهان  
 تابيد. و اين كوى سلطان سپهر در چوكان قدرت  
 چوكان خيلى سلاطين را در سخره گرفت. قصور  
 جلالت قيصره اتى عثر دير نپايد. و سراى دولت  
 فراغه با خاك يكسان كرديد. خاك مصر طرب انگيز بينى  
 كه همان خاك مصر است. ولى بر سر فرعون و جنود.  
 اين فلك نيرنگ سازسنگ ستم بجمام جشيدزد. و بامشت  
 قدرت آئينه زندگاني سگندر شكست. امروزه قصر  
 حورلى را رونقى است و نه از تحت طساقديس  
 قديسى. بمحشمت چندروزه مست و مغرور لشويم.  
 و از آشوس استبداد بعد از اين تجرع را حرام بشناسيم.  
 به پيدا كننده حريرت مطلقه قسم است. كه در آزار  
 هر نفسى دوچار آزار. و در گشتن هر بيكناهى ماري  
 پيشيدن حلاوت حدت حديد يا سوختن در آتش غضب  
 منتقم قهار مختار (من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه  
 سلطانا فلايسرف فى القتل انه كان منصوراً) و خداوند  
 كرامت خود را بر ما باريد است. و مهلت تا يوم بعث  
 از براى ما نهاده. خوبست كه فران نكنيم. و در سوء  
 استعمال قوه خود را دوچار خسراى. اگر شخصى در  
 امانت خيانت ديگر بارش اسپارند. و اگر روى درسى  
 نشان داد اين بار از دوشى درست كاريش بر ندارند.  
 ارتكاب در ملاهى و استقراق در مناهى با آن عقيدة  
 باك. و اين شيوه كسستن شرك. آن مواعيد حسنه.  
 و اين ظهورات غير مستحسنه محل عبرت عقلاست

اى سوار تندرو در كش عشان

• رخس در خون شهيدان خوش مران

باز صكو آن قصه جانگه را

قصه مرفان و بزم شاه را

در كنار شط نه جم اقتدار

منتظر تا چون خود انجيام كار

باید آمد گفت آنچه گفت  
سفت آن درها که ایدون سفت  
مرغکان چون شاهرا دیدند فرد  
که بود این بیان ز خجلت روی زرد  
بر پیا زردنش از منقارها  
که بود ایت جزای کارها  
گر چه دریاری کرده آمدند  
لیک ما مرغان کجا هم پر شدند  
گر می خواهی بیان را دلیل از بی برخوان بیا  
(باقی دارد)

### داستان روسیا

(از شماره ۳۸)

پس از آنکه امپراتور بچشم خود او را دید - بر آن  
شد درباره آیین جا نشین اختیار نمودن آنچه در کارست  
آماده نموده - پس از آن بکارها نمودن (کترینه) به پردازد  
پس با نزدیکان و نیک اندیشان خود بارها کنکاش  
نمودن آغاز نمود (کارناکمانی)

کترینه زن امپراتور که چندی بود در بیرون  
(پترسبورگ) در سرای گوشه نشین عاری بود از  
پیش آمد کار بسیار هراسان شده - و اندیشه را  
که از نخست در دل داشت که شوهرش را از تخت بزیر  
آورده خود را تا کزیر از شتاب در آن کار دیده - در  
همان گوشه نهائی که نشسته از برای آشوب داس بر  
گراستوار نموده - و از سه سو برای پانزده شورش  
بنیاد نیرنگ و فریبا کفارده - نخست (ایگور اورلوف)  
نام که نیره یکی از سپاهیان (استرلیج) و در پنهانی هم  
خوابه آن زشت کار بود - و از سرگردان توپچی و  
مرد دلیر و جوان دلاوری بود - با دو نفر دیگر از  
برادرانش که در میدان یاسیان بودند همدست و  
برانگیخت تا برخی از توپچیان و بزرگان آنان را فریب  
داده و با خود همراه نمودند و دیگر دسته دیگر را  
که از روزگار (پتوجیف) دستور در اینکار پایداری  
داشتند - و از مردمان بزرگ با نام و نشان بودند بهر  
نار آورد - و گروه سیم از بزرگ زادگان با نام را (واشکوف)  
نام دختر هجده ساله فرمان (کترینه) فریفته خود نموده  
بود و این گروه نیز مردان شور انگیز پهلوه سرای  
بودند - شکفت آنکه (کترینه) بر نیرنگ و فریب نکذارد

این سه گروه بهیچگونه از اندیشه یکدیگر آگاه شوند  
و هر گروهی را با اوستادی جدا از یکدیگر بکار  
واداشت (واشکوف) که گروه سوم را کرد آورده بود  
دختر ورنجوف و خواهر کوچک دوست امپراطور  
بود اما از روش آنان و از خویسایوندان بزاری  
جسته بهکترینه مهر ورزیده و در نخستین پایه با او  
یکانه و همراز و بیشتر روزگار خود را با او بسر برده  
و از او دور نمیشد - و گاهی نامه دالشوران و برخی  
بهکذارش هنرمندان نگاه نمود - و پیوسته فریبنده  
را سرمایه انا پشه خود اختیار نموده و روز و شب  
را در این آرزو میگذراند - هویداست پلنیک که امروز  
زبان ز دست نیرنگ و فریب است که دشمن و همسر  
را در خواب نموده و آرزوی خود را بدست آرند  
این دو فریبنده نیرنگ ساز باهم مانند یکجان دو دو  
تن در راه بدست آوردن یک آرزو ساز و آغاز  
نیرنگ نمودند - پس از آنکه (کترینه) به بیرون شهر  
(پترسبورگ) رانده شد (واشکوف) در پترسبورگ مانده  
و بنیاد آمدوشد بسرای شاهی و جاهای دیگر کفارده  
همه روزه کذارش شهر و دربار را از روی پنهانی  
بدون کم و کاست مینکاشت - از آنجا که میدانست اگر  
امپراتور را از پای در آورده تواند در نیرنگ سازی  
و فریب نام او بلند خواهد شد - از این راه بجان  
کوشش مینمود - و از آغاز در اینکار یکی از مردم  
ایتالا که در فریبندهی مانند نداشت آموزگار و راه نای  
(واشکوف) بود - در آنچه درمیان از او می آموخت -  
او را نیزه (کترینه) فرستاده (و پنهان نگار - کاتب سر)  
او نموده - و این مردو بسودای آنکه پس از برانداختن  
امپراطور در سایه (کترینه) بی نیاز و در میان همسران  
سرفراز خواهند گردید از جان و دل میکوشیدند - و  
ترک خواب و آرام گفته بودند - دیدند با کوشش تنها کار  
بجای نمیرسد و زر در کارست و اینان جز چند تن از  
سپاهی کسی را بدام آوردن نتوانستند - بر آسرو شدند  
که از مردمان بی نیاز کار ساز چند تن را با خود هم  
آواز نموده و سازی در خور آرزو فراهم نمایند - پس  
دام فریب کشاده و چون خود را ناچار از آن دیدند  
بویژه از سران لشکر باید برخی را با خود هم داستان  
نمایند - نخست دام فریب در راه سردار و بزرگ قزاقان

که بروسی (حطمان قزاق) میمانند کسترده. چون او در روزگار امپراتوریه سردار شده بود. و بر همه قزاقان خاك روس فرمان روا و دارای پایه جنرالی بود که در هنگام جنگ در پایه سپه سالاریست و نامش (رازوموفسکی) و مردهی بی نیاز بود. و دارائی بی پایاداهت و در میان سپاهیان نام آوز و از برای شور انگیزی بهیبتا بود او را فریفته و با خود انباز نمودند و پس از آن (پائین) را که مردهی با حره و هوش و از کشیش های بزرگ و از روزگاری دور و دراز آموزگار (پاولو) پسر کترینه بود و مردم او را کرامی میداشتند. و امپراطور او را آزرده بود از برای شورش بر کزیده. و دام قریب در راه او کسترده او را نیز بدام خویش در آورده با خود همراه نمودند. و پس از آنکه این دون را رام نمودند آن بدکاره شور انگیز دیگر سرگردان و بزرگان سپاه را هر يك را بشیوه رام و به انجمن شورش در آورده و گذشت از اینان فرستاده (فرانسه) و (اتریش) و (دانمارک) که در پترسبورگ نشیمن و از کردار و رفتار و گفتار امپراتور افسرده و دلگیر بودند. و همچنین بزرگان درباری را که امپراتور از خود دلگیر نموده بود یگان یگان را بسوی خود خوانده. و با خود همراه نمودند و چون روش فرستادگان پادشاه که در دربار دیگران میباشند دستوری دارند که در هنگام کار از برای بدست آوردن کام و آرزوی خود با دادن نشان و پایه و پاهیدن سیم و زر کار خود را پیش برند و در روسیه نبود کسی که بازرگ فریب نخورد (مانند امروزه ایران) و از برای همگی زبان بلژی و مهر کستری کارگر نبود. اما همینکه پای زر در میان آمد بی اختیار بودندنه اینکه به بیگانه خانه فروشی نمایند و در کارهاییکه بکشور و کشوریانشان زیان نداشت و در کارهای میانه خودشان نیز زر کره کشا بود. و چون این شورش تا در میخان شورشیان گروهی از مردم دربار در نمی آمدند بی بهره و سود بود پس بازرو زبان کسانی که در کار بود با خود همراه نموده پس از آن که کار این رنگ را گرفت از برای آنکه بزرگان شورشیان یکدیگر را دیده و با یکدیگر گفتگو نمایند. در جاهای پنهان انجمنها برپا نموده و کاهی هم (کترینه) را به انجمن میبردند و بشکفتاش کار میزدانند (پائین) کشیش آموز

کار (پاولو) را پیش آن بود که (پاولو) را جانشین نموده و (کترینه) را به پیشکاری او برگزینند. در این باره گفتگو میان آمد و سخن بدراز کشید (رازوموفسکی) او را بکترینه نمود. و گفت آرزو مینمائی که بخت پادشاهی روسیه بر آمده و پسر خود را بی بهره نمائی گروه جنکاوری مانند روسیا مرکز بر خود هموار گرهن میتوانند زنیکه از نژاد امپراتور و بلکه روس هم نیست و دختر فرمانده (آنحالت است) بر آنان پادشاه و فرمان روا گردد. هیچ خرده مندی می پذیرد پادشاهی که از نژاد (پتر) بزرگ است پایمال. و دیگری در کوفه زندان گرفتار. و بیگانه بر تخت رو حیه بر آید. آیا مردم آسوده خواهند شد. و آتش شورش فرو خواهد نشست. مرکز این شورش از میان بر نخواهد خاست و اینکار انجام نخواهد یافت. شما ناآفرید از آنکه از این اندیشه در گیرید. و ب مردم آشکار نمایید که از برای نگاه داری آئین دیرین و جالبینی فرزند خود بدین کار دست مینیزید. و چون این سخن را دلیرانه و از روی راستی سرود انجمنیان همگی از هوش رفته و (کترینه) هم چندی خموش ماند (باقی دارد)

### مکتوب از تبریز

مدیر جلالالتین - از ملاحظه جرائد فرنگ چنان مستفاد میشود که پلتیک عبارتی از سلوک و رفتار است که به اقتضای وقت و زمان موافق آید. چند ماه قبل که بنسایود دولت علیه ایران قرضه تازه از روس بگیری روزنامهجات روسیه چنان را نمود مینمودند. که دولتین ایران و روس دو برادر از صلب یک پدر. و دو روح در یک قالب اند. ما ایرانیان ناشی پلتیک دستی کر خود آشنا کرده بادی بر زیر سیل می انداختیم. که دولت قویه روس از ماست. و چنان تصور میکردیم. هرگاه فرمان ماصادر شود. دو بیست هزار قزاق روسی تمام سلاح با جمیع تدارکات حربیه بدون تأمل فرمان ما در هر امر اقدام خواهند نمود. این نکته هم ما را مغرور ساخته وهم مطمئن و بیکار

در تاریخ دیده آید زمانی که دولت انگلیس وارد هند شد امرای خود سرهندوستانرا بزور و لشکر تأییدها نمود. و مطمئن الحاطر و مغرور گردانید. همین که چندی بدین منوال گذشت. برخی را گفت شما دو هفت



(کینی) هستید - و کیانی همه جبهه در حفظ مراتب استقلال داخل و دفع دشمنان خارجی شماها موجود است - ضرورت نیست که شما لشکری کرد آورده اردوش تشکیلهاده خزینه صرف نموده - اوقات عزیز بزرگرامی مانند شما امیر و پادشاهی صرف این جزئیات کردد ما جاگران سمعی برای روز مبادای شما کافی توانیم بود

میده اعتبار کو که کلمات بزرگانرا بدقت ملاحظه نماید - شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی چه قدر خوب میگوید

که از چنگال کریم در ریودی

چو دیدم طاقت ~~کریم~~ تو بودی  
 این ایام که موکب فیروزی کوکب هایون ولی نعمت ایرانیان ارواحنا فداء قریب ملدن رسیده - رقبا از خوف اینکه مبادا وضع دگرگون شود و ورق برکردد سبک و روش برادرانه و خادمانه گفته - اصول اجنبیانه و حاکمانه پیش آمده است - در اخبارات روس مشاهده میشود سخن بدرشت و غفلت کشیده - بلکه تهدید رسیده است این ایام مرا بی در آن اخبارات دیده بیشتر که از ماهده آن خون از چشم غیرنمندان جاری میکرد کریمیر بکنندم که زدنمای چه خواهی

عیش مارا و همه سلطنت و ملک شمارا

مکتوب از طهران

مؤید الاسلاما - خدایت تأییدکناد - راه داد خواهی و مرض نظلم ما ملت فلاك زده ایران - ناستان ولی نعمت کل و پدر مهربان خود ارواحنا فداء روزنامه مقدس بر طبق جبل المتین بود که هماندین ملت و دولت که خداوند نیت شان جزا بخشد - و داد ما مظلومان را از ایشان بگیرد - این سیل معروف را نیز از ما قطع کرده - و این راه داد خواهی را هم بروی ما بستند (انما اشکو) نی و حزن الی الله

چون درین اوان موکب فیروزی کوکب اعلی حضرت اقدس ولی نعمت کل ارواحنا فداء در فرنگستان میباشد و البته روزنامه مقدس که خواه حقیقی ملت و دولت است از پیشگاه حضور اقدس ملوکانه میکندد مرض داشتی که مبنی بر داد خواهی و مرض نظلم از (مسیونوز) و زیر دست خاندان است - برای درج در جبل المتین فرستادیم

چه شود سکه در روزنامه مقدس درج شده - شاید تیر دعای مان بهدفع اجابت مقرون گردد - و اثر خود را به بخشد

عرضداشت

عرضداشت جان نثاران دولت اجزای پستخانجات

شاهنشاه ما زنده باد

تصدیق خاکپای جواهر آسایت کردیم - قرنهاست که جان نثاران پدر در پدر در راه دولت علیه خدمات صادقانه نمود و پرورش یافته ایم - و ساهاست که در اداره پستخانجات جلیله زحمت تشبیه امور معیشتان اداره شد است - اینک ریسی را که (مسیونوز) وزیر بر ما مقرر داشته باظهار عدم ضرورت جان نثاران را مرخص نموده - میگوید (پستخانجات ایران اینقدر اجزا ضرورت ندارد - و دخل این اداره کفایت از این همه مخارج نمی نماید) -

استدعای جان نثاران این است که اگر قطع معیشت این فلك ردگان و اخراجان از ملازمت پستخانجات مزید شکی نیست و انتظام داخلی برای دولت علیه شود هنری نداریم - و اگر بناست مواجب سی نفر ما را یکنفر فرنگی به برد - و کار يك نفر هم از او ساخته نشود دور از قنوت پدرانه تصور خواهد شد

لھما فدویان در دارالآمان حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای امام جمعه سلمه الله تعالی که آستانش ملت ایرانیه را ملجاء و پناه است متحصن شده ایم - که شاید بتوسط این آستان صرائض عبودیت مان بخاک پای پدرمهران رسیده - مرهمی به دلهای مجروح مان گذارده شود

استرحام جان نثاران آن که - دولت علیه یا ما را بر سرکارهای خودمان مقرر فرماید - و یا بشغلی که در خور حالمان باشد مأمور دارد چه نه اولاد از فرزندی پدر خارج تواند شد - و نه ملت از رعیتی دولت - اگر مسئول فدویان مقرون باجابت نتواند شد - شایسته است که دولت علیه نیز مانند دول خارجه که برای مصیبت یافته کان و قحط زدگان دفتر احاطه بلزمینابند - برای ما فلك زدگان نیز دفتر احاطه باز شود - تا بتوانیم با معنی خیال و اطفال خود چند روزی زندگانی نموده در صدد